

دکتر علی قائمی

تربیت در نهج البلاغه



در این راه شده‌اند، و حتی حرکتی در خط اعتدال در عین خود نگهداری و مراقبت است.

حرکت‌هایی که آدمی به سوی مقصود انجام می‌دهد گاهی باید تند و زمانی کند باشد. در مواردی مسیرها عیان است و گاهی پنهان، گاهی نیاز به هادی و مرشد است و زمانی هم به اتکای دریافت شخصی در عین توکل به خدا و... که همه این موارد حکایت از انتخاب مشی و روش دارند.

رئوس مسائل

رئوس مسائل و اهم نکاتی که در این عرصه باید مطرح باشند بدین قرارند:

۱- پژوهش و بررسی: این که باید به سوی مقصود حرکتی داشت، جای بحث و سخنی نیست. اما اصل در این وادی آن است که به پژوهش راه و کیفیت سیر بپردازیم، مخصوصاً زمانی که در آدمی احساس نگرانی و دغدغه سقوط و گمراهی باشد. در این عرصه به سخن

اهداف در مشی و روش زندگی

مقدمه

زندگی از دید خردمندان امری است جاری و در حال گذران از جاده هموار و ناهموار و پرپیچ و خم که عبور از آن نیاز به چشمانی باز، انتخاب مسیر و رعایت ضوابط در کیفیت گذران و عبور دارد. بدون داشتن راهنما و روش، خطر سردرگمی در کمین است.

امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نهج البلاغه هشدارهایی در این عرصه می‌دهد که اساس آن کسب بینش برای استفاده از راه و روش افراد موفق و عبرت‌آموزی از آنان که دچار سقوط و صدماتی

- وَأَمْضُوا فِي الْأَذَى نَهَجَهُ لَكُمْ: و در راهی به
پیش روید که او برای شما مقرر کرده است.

- وَ قَوْمُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ: و نظام زندگی خویش
را بر اساس روابط و پیوندهایی قرار دهید که
قوانین الهی پدید آورده است.

- فَعَلَيْ ضَامِرٍ لِفَلَجِكُمْ آجَلًا: و علی شکوفایی
پیروزمندانه تان را در بلند مدت ضمانت می‌کند.

- إِنْ لَمْ تُنْتَحَوْهُ عَاجِلًا: هر چند که در کوتاه
مدت فرا چنگ نیاید.

در خط بینش داری مردم، امام پیروان خود را به
راه و خط قرآن سوق می‌دهد و دستورالعمل آن را
کارگشا معرفی می‌کند. در آخرین وصیت خود پس
از ضربه خوردن فرمود: اللَّهُ اللَّهُ، فِي الْقُرْآنِ
لَا يَسْمُكُمُ فِي الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ: ۴ خدای را خدای را
درباره قرآن، مباد که در عمل بدان بیگانگان بر شما
پیشی گیرند.

اصل در پیمودن خط زندگی این است که بنده
محبوب خدا کسی است که با ژرف‌نگری بینش
می‌یابد: نَظَرَ فَأَبْصَرَ ۵ و در دنباله همان می‌فرماید:
قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ رَاحِ خَوْشِ رَاحِ بِأَبْصَرِي دَرَسْتِ
برگزیده، وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ وَ مَرْدَانَهُ وَ نَسْتَوَهُ بِهٖ
پیش می‌رود و عَرَفَ مَنَازِعَهُ با نگاهی به روشنای برج‌ها و
شناخت کامل سیر می‌کند و قَطَعَ عِمَارَةَ وَ بَا تَلَاشِي
شگفت در شکافتن موج‌ها حرکت دارد... فَهَوَّ مِنْ
الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ ۶ و در خط شناخت
به مرحله یقین رسیده و همانند نور خورشید برای
او روشن است.

این نکته مهمی است که آدمی در هیچ حال و
موقعیت از خود غافل نگردد و زمام امور خویش
را به دست هوی نسپارد. هم‌چنین توسن راهبر او
را خود باید راهنمایی کند و در این هدایت
گمان‌داری چاره‌ساز نیست. در سفارش امام به این
عبارت برمی‌خوریم که فرمود: لَا تَكُنْ مِمَّنْ... تَغْلِبُهُ

امام عنایت کنیم که فرمود:

- وَ أَمْسِكَ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خَفَتْ ضَلَالَتُهُ: در راهی
که بیم گمراهی در آن می‌رود گام من.

- فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَزِيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ
الْأَهْوَالِ: زیرا خویش‌ن داری در هنگامه گمراهی
بهبتر از خودسپاری به امواج تباهی است.

و هم سفارش امام این است که در طی طریق
به سوی مقصد، مادام که راه و خط مشخص نشده
است آدمی نباید در آن شتاب روا دارد. به عبارت
امام توجه کنیم که دارای مفهومی عام است، اگرچه
در ارتباط با سپاهیان مطرح شده است:

- فَأَمْضُوا لِمَا تُوْمَرُونَ بِهِ: پس شما آنچه را که
بدان فرمان یافتید حرکت کنید.

- وَ قِفُوا عِنْدَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ: در هر موردی که از
آن ممنوع شدید باز ایستید.

- وَ لَا تَعْجَلُوا فِي أَمْرِ حَتَّى تَسْتَبَيُّوا: در هیچ
جریانی پیش از کاوش همه سویه شتاب مکنید.

- فَإِنَّ لَنَا مَعَ كُلِّ أَمْرٍ تَنْكِزُونَ غَيْرًا. ۲ زیرا در مورد
هر آنچه شما را ناشناخته نماید، ما را توان
دگرگونی باشد.

۲- بینش داری: راه زندگی و وصول به سعادت
به علت محدودیت علمی و عقلی ما راهی درهم و
آشفته است، به ویژه که غلبه اهواء و وسوسه‌های
غیر نیز در مواردی در کار و برنامه ما دخالت دارند
و در واقع سد راه و از موانع رشد آدمی می‌شوند.
گام نهادن در وادی بی‌انتهای زندگی به مدد
یک نقشه یا راهنما میسر نیست. خدای مهربان
خط سیر بشر را ترسیم و از طریق انبیای الهی به
بشر اعلام نموده است. و امام در توصیه خود
فرمود:

- فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنَ اللَّهِ: از خدا نیز به سوی
خدا پناه برید.

قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَعْطَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ. پیش از این که مایه پند آیندگان شوید از گذشتگان پند گیرید... و این همه سفارش معمولاً بدان خاطر است که آدمی برای خود راهی و روشی اندیشیده، بر اساس تجارب برگزیند.

و سرانجام فرماید: خوشا به حال آن کس... که چهارچوب سنت رسول خدا برای او و در امکان حملش باشد و هرگز به بدعت متهم نگردد. طُوْنِي لِعَنْ... وَسِعَتِ السَّنَةُ وَ لَمْ يُنْسَبْ إِلَى بَدْعَةٍ. او می دانیم مشی رسول خدا بهترین راهنمای زندگی است.

۴- خط اعتدال: مشی آدمی در زندگی بر اساس ارشادات امام باید به دور از افراط و تفریط باشد، در آن نه تندی به چشم آید و نه کندی، نه جانب‌گیری به چپ مطرح باشد و نه جانب‌گیری



به سوی راست، که این هر دو سبب گمراهی و واماندگی است و تنها راه میانه و معتدل راه راست است. الَّتِيْمِيْنَ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيْقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَةُ. و امام در دنباله آن فرماید:

- عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبُوَّةِ. قرآن، کتاب خدا و سنت که از آثار نبوت است، بر این امر گواهی و توصیه دارند.

- وَ مِنْهَا مَقَدُّ السَّنَةِ وَ اِيَّهَا مَصِيْرُ الْمَاقِبَةِ. او از آن راه راست عدل خالص سنت پیامبر بیرون آید و

نَفْسُهُ عَلَى مَا يَنْظُرُ - وَ لَا يَغْلِبُهَا عَلَى مَا يَسْتَحِقُّ. نفس به نیروی پندارها بر او چیره شود اما او با یقینش مبارزه با نفس را بر نمی‌تابد.

۳- عبرت‌آموزی‌ها: جریانات و حوادث گذشته باید همانند راهنمایی روشن و آینه‌ای شفاف در سر راه ما باشد. پیش از ما افرادی در این سرای می‌زیستند که در مقام‌ها و موقعیت‌های گونه‌گون بودند. پس از طی فرازها و نشیب‌ها، و صعودها و سقوط‌ها سرانجام رخت به سرای دیگر کشیدند و اینک ماییم و بازمانده شیوه‌های عمل‌کردشان.

بسیاری از جریانات حال و امروز همانند جریانات گذشته‌اند و بدین سان از گذشته‌ها برای امروز می‌توان درسی و پندی گرفت و این همان نکته‌ای است که تحت عنوان عبرت‌آموزی‌ها مد نظر است.

امام در عبارتی پاره‌ای از جریانات و حوادث جهان را همانند هم و شبیه یکدیگر ذکر می‌کند و سفارش او این است: اسْتَدِلْ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ. وَ لَا تَكُونَنَّ مِنْ مَنْ لَا تَفْقَهُ الْعِظَةَ إِلَّا إِذَا بَالَفَتْ فِي رِيَالِهِ. بر پایه رویدادهای تاریخی گذشته، در مورد آینده استدلال کن، چرا که جریان‌های تاریخی همانند یکدیگرند. مباد چون کسی باشی که تا بسیار ملامت نبیند پند و وعظ سودش ندهد.

او در توصیه دیگری خطاب به فرزندش فرماید: وَ اَهْلَمْ يَا بَنِي، أَنْ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي... وَ الْآخِذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَالضَّالِّحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ. ای فرزند عزیزم این را بدان که دوست دارم از وصیت من... به انتخاب همان راهی بپردازی که اجداد پاک و شایستگان خانواده‌ات در نور دیدند.

و هم این سفارش را دارد که: وَ اِيْعِظُوا بِمَنْ كَانَ

فرجام امر دنیا و آخرت مردم به آن بر می‌گردد.
مسأله سیر در خط اعتدال در همه امور مربوط
به حیات آدمی، از اقتصاد و سیاست و فرهنگ نیز
صادق است. امام در فرمان خود به مالک اشتر در
امر کارگردانی کشور و سیاست‌رانی بر مردم
فرماید:

- وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ.

کاری که بیش از هر کار دیگر باید تو را محبوب‌تر
باشد، میانه‌روی برای حق است.

- وَأَهْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَ هَمَّكَانِي تَرِينِ أَنْهَا دَر
جنبه رعایت عدل و برابری است.

- وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّحْمَةِ. ^{۱۲} کاری که بیش‌ترین
گروه از افراد رعیت را زیر چتر خود درآورده،
رضایشان را فراهم آورد.

عَلَيْكُمْ وَ الْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ، وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا
عَلَيْهَا بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ... ^{۱۳} ای بندگان
خدا شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم که آن حق
خداوند بر شما و موجب حق شما بر اوست. و در
کسب تقوا از خدا یاری بجوید و در راه خدا از
نیروی تقوا مدد بخواهید، که تقوا امروز برای شما
دژ و سپر است و فردا سبب ورود به بهشت.

او در آخرین وصیتش نیز پس از ضربه خوردن
از ابن ملجم سفارش به تقوا داشت ^{۱۵} و تقوا را
در باره همه امور و جنبه‌های وجودی می‌دانست،
مثل تقوای در سخن، ^{۱۶} تقوای در بدن و اعضا ^{۱۷} و
البته تقوایی خردمندانه: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَيْدَ اللَّهُ تَقِيَةُ ذِي
لُبِّ. ^{۱۸}

ده‌دها و استمداد: از نظر اسلامی ده‌دها یک

وسيله و یک ابزار است. او خود در عبارتی فرماید:
وَ أَحْلَمُ أَنَّ الَّذِي يَكْفِيهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ
أَذِنَ لَكَ فِي الدَّهَاءِ. ^{۱۹} - آگاه باش به راستی آن کس
که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین به دست اوست
راه ده‌دها را به روی تو گشوده است. و هم فرمود:
دهای تو در نزد پروردگار مسموع است. - وَاللَّهَاءُ
يُسْمَعُ. ^{۲۰}

او فرمود هجوم گرفتاری‌ها و بلایا را با ده‌دها از
خود دفع کنید: وَ اذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِاللَّهَاءِ. ^{۲۱} و به
آن کس که اجازه ده‌دها داده‌اند از اجابت آن
محروم‌ش نساخته‌اند. مَنْ أَطْعِنَ الدَّهَاءَ لَمْ يُحْرَمِ
الْإِجَابَةَ. ^{۲۲} او خود در دهایی فرمود: از خدای
درجات و جایگاه شهیدان را آرزو می‌کنیم، و
هم‌زیستی با سعیدان و همدلی با انبیاء را: تَسْأَلُ اللَّهُ
مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَةَ السُّمَدَاءِ وَ مُرَاقَبَةَ الْأَنْبِيَاءِ. ^{۲۳}

ادامه در صفحه ۶۵

۱۵- تقواداری در امور:

تقوا به معنی خود نگهداری، پاسداری از خود
و مراقبت از خویش، از سویی هدف است و از
سویی دیگر شیوه و راه و روش و اساس آن
صیانت وجود است از خطر و دور داشتن نفس
است از شرور و آفات و سقوط و انحطاط و یا قرار
گرفتن در وادی ناصواب و در نهایت در آتش
عذاب الهی.

مسأله تقوا آن قدر مورد عنایت و تأکید امام
است که برای شرح و تحلیل آن می‌توان دفتری
جداگانه ترتیب داد. در همه جای نهج البلاغه
سفارش به تقواست: أَوْصِيكُمْ حَيْدَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ،
فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْغِيَاءُ بِهِ، وَ خَيْرٌ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ
حَيْدَ اللَّهِ. ^{۱۳} همه شما را به تقوای الهی توصیه
می‌کنم که در توصیه‌های متقابل بندگان، بهترین
محور است نزد خدای سبحان و نیز رمز نیکوترین
فرجام هر جریان. در عبارتی دیگر فرماید:

- أَوْصِيكُمْ - حَيْدَ اللَّهِ - بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ

فرهنگ ازدواج در بسته ارزش‌های اسلامی



مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسأله "جهیزیه" در فرآیند ازدواج
جوانان

تفکر درباره هدف غایی ازدواج و نظام
ارزش‌های اسلامی و در چهارچوب روان‌شناسی
خانواده بیانگر این حقیقت است که در فرآیند
ازدواج و تشکیل خانواده مستقل، همه برنامه‌ها،
پیشنهادها، تقاضاها و تلاش‌های دختر و پسر،

دکتر غلامعلی افروز

پدرها و مادرها، خواهرها و برادرها، خاله‌ها و دایی‌ها، عموها و عمه‌ها، نزدیکان و خویشاوندان و همسایگان و دوستان، باید در جهت محقق شدن آرامش روان و سعادت و خوشبختی دو جوان، یعنی عروس و داماد صورت پذیرد و بس. به یقین خوشبختی واقعی و سعادت‌مندی پایدار انسان در گرو برخورداری از احساس آرامش روان و امنیت خاطر است. به سخن دیگر، هر پیشنهادی که در ارتباط با ازدواج دو جوان مطرح می‌شود، هر گامی که در مسیر زندگی مشترک ایشان برداشته می‌شود و هر هزینه‌ای که در این راه انجام می‌شود، زمانی می‌تواند شایسته، معقول و مطلوب باشد که تقویت‌کننده هدف اصلی ازدواج یعنی احساس آرامش و استقرار در ساحل آرامشگر وجود باشد. بدیهی است که هر پیشنهاد، اقدام و تلاش و تحمیل هزینه‌هایی که موجبات ناامنی خاطر، فشار روانی و اضطراب و ناآرامی و ناخشنودی قلبی یکی از زوجین و یا خانواده‌های ایشان را فراهم کند نمی‌تواند امری معقول، منطقی و شایسته باشد.

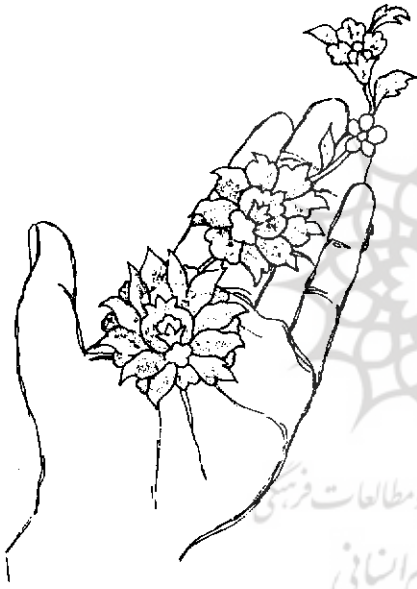
* * *

متأسفانه در غالب موارد، مسائلی همچون "مهریه" و "جهیزیه" و تشریفات و مخارج فوق‌العاده و اساساً غیرضروری عروسی و تهیه "مسکن" از مشکلات بزرگ ازدواج به‌نگام در نزد جوانان و خانواده‌های آنان به شمار می‌آید. پیش‌تر درباره "مهریه" نکات قابل ملاحظه‌ای مطرح گردید و اینک به منظور آگاهی جوانان داوطلب ازدواج، پسرها و دخترها، اولیای دلسوز و متعهد ایشان و اندیشمندان فرهنگی نظام، چند نکته قابل تأمل در مورد مسأله "جهیزیه" به استحضار می‌رسد.

بدون تردید مدتی^۱ بعد از جاری شدن صیغه عقد زوجیت، زوج جوان، برای آغاز زندگی مستقل و مشترک آماده می‌شوند و بالطبع بنای زندگی جدید و حیات مشترک بین دو همسر

روشن‌ترین معیار ارزش‌ها، معقول‌ترین قرارها و منطقی‌ترین شرط‌ها در فرآیند ازدواج، همانا در آینه آرامش دل‌ها متجلی می‌شود و در اصل مسلم رسیدن به ساحل آرام زندگی معنا می‌یابد. به همین دلیل است که گاهی پافشاری بر شرایط و خواست‌های غیرضرور و تحمیل هزینه‌های غیرمعقول و خارج از توان طرفین در امر ازدواج با هدف مقدس زوجیت در تعارض و تناقض قرار می‌گیرد و بنیان خانواده تازه تأسیس شده را سست و لرزان می‌سازد.

برخورداری از حمایت خانواده خود، در امر تهیه مسکن مناسب، به صورت اجاره و یا خرید و تدارک ملزومات اولیه زندگی با مشکل قابل توجهی مواجه است و به همین لحاظ در نگرانی به سر می برد و این مسأله می تواند آرامش روانی او و قهراً همسرش (دختر عزیزشان) را به مخاطره اندازد و زمینه بروز احساس ناامنی را در هر دو نفر فراهم کند، آن وقت خانواده عروس خانم بی هیچ ملاحظه و تردید و تأملی با همه وجود آنچه را که برایشان امکان پذیر و مقدور است در طبق



اخلاص نهاده، به زندگی مشترک زوج جوان تقدیم می کنند.

بنابراین "جهیزیه" به معنای درست، منطقی و قابل قبول آن یعنی کمک و مساعدتی که دختر خانم و خانواده وی با محبت و معرفت و از سرلطف و احسان برای تشکیل خانواده جدید و زندگی مشترک و سعادت مند زوج جوان مرحمت می فرمایند. این کمک می تواند در جهت تأمین

جوان مستلزم تمهید مقدمات، تهیه ملزومات و تدارک لوازم اولیه و ضروری زندگی است و بحث "جهیزیه" در این ارتباط قابل طرح می باشد. به عبارت دیگر اگر نگاه ما به موضوع "جهیزیه" از جامع نگری و شمول بیش تری برخوردار باشد و مسأله جهیزیه را در قالب تأمین نیازهای ضروری و اولیه زندگی مشترک دو جوان مدنظر قرار دهیم، آن وقت با فکر و اندیشه ای برتر و به دور از تجمل گرایی و چشم و هم چشمی ها، صرفاً در حمایت از زندگی تازه دو جوان و در حد توان به مسؤلیت خویش عمل می کنیم.

اندیشیدن به صلاح زندگی و آرامش روانی و آسایش خاطر عروس خانم و آقا داماد و پرهیز از تعصبات خویشاوندی و یک سویه از جانب هر دو خانواده می تواند مناسب ترین زمینه برای سعادت و خوشبختی واقعی زوج جوان باشد. در حقیقت باید توجه داشت که تهیه و تأمین خانه ای در خور و لوازم و وسایل ضروری مورد نیاز زندگی مشترک زن و شوهر از نظر فقهی و حقوقی بر عهده مرد است و در این ارتباط هیچ گونه مسؤلیتی از نظر شرعی و حقوقی متوجه دختر خانم و خانواده وی نیست، ولو این که خانواده دختر از تمکن مالی قابل توجهی برخوردار باشد. لیکن آنچه در این جا مطرح است، اندیشیدن به آرامش روان و آسودگی خیال دختر و پسری است که با هم عقد زندگی مشترک و پیمان وحدت و همدلی بسته اند.

اگر داماد جوان بتواند به نحوی که مقدور است مسکن مناسب و لوازم و وسایل مورد نیاز را برای زندگی مشترک شخصاً تأمین کند، بالطبع موجبات آسودگی فکر و آرامش خاطر خود و همسرش را فراهم کرده است. اما در شرایطی که خانواده دختر خود شاهد هستند که این داماد به رغم

خرید وسایل و لوازم موردنظر و به اصطلاح تهیه یا تکمیل جهیزیه زیر بار وام‌های آن چنانی و دیون تحمیلی رفته، خود را تحت فشار اقتصادی و روانی قرار دهند.

هرگز شایسته و سزاوار نیست که دختر خانم و یا اولیای عزیزش از این و آن و یا بانک‌های مختلف پول قرض بگیرند که مثلاً سرویس فلان و یا یخچال بهمان را بخرند.

هرگز پسندیده نیست که دخترخانم یا پدر و مادر وی برای تأمین هزینه خرید جهیزیه، یعنی امری که شرعاً و قانوناً هیچ‌گونه تکلیف و تعهدی نسبت به آن ندارند و صرفاً از روی میل و اختیار می‌تواند انجام پذیرد، مدت‌های فوق‌العاده بدهند و سلامت و بهداشت روانی خود را به مخاطره اندازند. چه بسا پدرانی که تا نیمه شب برای تأمین هزینه جهیزیه دختر، با تحمل مشقت‌های فراوان کار و تلاش می‌کنند و آسایش و آرامش خود و خانواده خود را قربانی چیزی می‌کنند که بدان موظف نیستند. هم چنین هیچ دختر عاقل، صالح و متعهدی نمی‌تواند شاهد آن باشد که پدری از روی ناچاری و یا فشارهای خانوادگی و رودربایستی‌های فامیلی کلیه‌اش را برای تأمین جهیزیه به اصطلاح آبرومند دخترش بفروشد!

آبرو یعنی حفظ ارزش‌ها و جلب رضایت و خشنودی خداوند و داشتن رفتار صادقانه و خردمندانه با دیگران و نه چشم و هم‌چشمی، رودربایستی و تحمل مشقت‌های ناروا و بر هم زدن آرامش خانواده.

بدیهی است در شرایطی که خانواده دختر از تمکن قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و کمک به کانون خانواده زوج جوان ایشان را با هیچ‌گونه

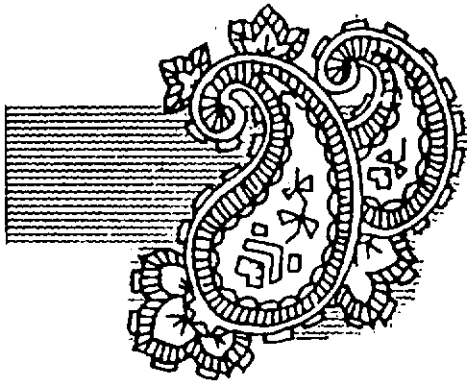
مسکن، یا تهیه لوازم زندگی و یا هر دو باشد.

واقع امر این است که "جهیزیه" به معنای کمک و هدیه محبت‌آمیز خانواده عروس خانم به زندگی مشترک جدید نباید با مسأله "مهریه" که امری است واجب و لازم و تکلیفی است بر عهده مرد، ولو به مقدار اندک (موارد کمی) مورد مقایسه قرار گرفته، هم بسته با آن مدنظر قرار گیرد.

"مهر" هدیه‌ای است که پسر در حد وسع و توان مکلف و موظف به ادای آن است و "جهیزیه" هدیه‌ای است که دختر و یا خانواده وی بی‌هیچ تکلیف و وظیفه‌ای در صورت امکان و تمایل به صورت دلخواه برای آغاز زندگی مشترک زوجین مرحمت می‌نمایند. از این رو مباحثی همچون "مهرکم، جهازکم، مهر زیاد، جهاز زیاد" نمی‌تواند معقول و منطقی باشد. در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی آنچه به عنوان یکی از شرایط لازم عقد ازدواج مطرح است، مهرانه‌ای است که مرد موظف و مکلف است از روی محبت و اخلاص، تعهد و وفاداری تقدیم همسرش نماید و قطعاً جهیزیه از جمله شرایط لازم در عقد ازدواج نبوده و نمی‌تواند باشد. جهیزیه کمکی داوطلبانه و هدیه‌ای دلخواه است که خانواده دختر به زندگی مشترک زوج جوان تقدیم می‌کند.

با توجه به مراتب فوق هرگز شایسته نیست داماد و خانواده‌اش کوچک‌ترین انتظار و چشم داشتی از عروس و خانواده‌اش از بابت جهیزیه داشته باشند، چه رسد به این که در ارتباط با جهیزیه خدای ناکرده گاه با هم بحث و گفت‌وگوی غیردوستانه و بعضاً مشاجره داشته باشند.

هرگز سزاوار نیست دختر خانم به دلایل گوناگون خود و خانواده خود را برای تدارک جهیزیه به زحمت فوق‌العاده واداشته و گاهی برای



همسری بین برترین اسوه‌های گستره گیتی، علی و فاطمه علیهما السلام است. نگرشی بر جلوه‌هایی از مراسم ساده و پرفصحا و بی‌ریای ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام از خواستگاری تا خواننده شدن خطبه عقد ازدواج توسط پیامبر عظیم‌الشأن اسلام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله - و تهیه وسایل اولیه زندگی مشترک دو وجود نورانی و جشن عروسی و تدارک ولیمه و پذیرایی از میهمانان که توسط علی علیه السلام (شوهر) با مشاورت، هدایت، حمایت، همراهی و دعای خیر پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - (پدر بزرگوار همسر) صورت می‌پذیرد، احساسی آکنده از تحجیر و تواضع، نشاط و شغف وجود هر انسان آزاده و وارسته‌ای را فرا می‌گیرد.

در این جا به عنوان نمونه به نحوه تهیه وسایل اولیه و ضروری زندگی مشترک علی و فاطمه علیهما السلام و یا به عبارت دیگر جهیزیه حضرت زهرا علیها سلام، بر اساس متون معتبر و متواتر تاریخ اسلام اشاره می‌کنیم. هنگامی که علی علیه السلام فرصت می‌یابد تا با احساسی توأم با حیا و شرم حضور، تقاضای ازدواج با زهرای اطهر، دختر پیامبر اسلام، صلی

فشار و مضیقه‌ای مواجه نمی‌کند، مساعدت‌های بی‌منت و صرفاً از روی لطف و مرحمت می‌تواند فوق‌العاده ارزشمند باشد و در این صورت نیز آنچه از آقا داماد و خانواده ایشان انتظار می‌رود فقط زبان سپاس و تشکر است و لاغیر.

بدون شک همفکری و مشارکت بی‌شائبه و صمیمانه خانواده‌های دختر و پسر داوطلب ازدواج در ارائه کمک‌ها و حمایت‌های لازم برای تشکیل و ادامه زندگی مشترک و آرامش‌بخش ایشان به تناسب توان هر کدام می‌تواند مؤثرترین شیوه و ارزشمندترین روش در فراهم ساختن زمینه ازدواج بهنگام و پایدار جوانان باشد. در این جا نیز با توجه به نیازهای اساسی زوج جوان، همچون مسکن و لوازم ضروری و اجتناب‌ناپذیر زندگی روزمره و پرهیز از مقایسه‌های بی‌حاصل و به دور از القائات این و آن، فارغ از برخی باورهای کلیشه‌ای حاکم بر اذهان بسیاری از خویشان و برخی قشرهای ساده‌اندیش جامعه، تقید در بلندنظری و لحاظ نمودن آرامش همسران جوان، خانواده‌های عروس و داماد تلاش خواهند کرد با صفا و صمیمیت فرآیند عقد و عروسی و شکل‌گیری خانواده جدید نور چشمان را با نهایت دقت و در عین سادگی و بی‌آلایشی برگزار کنند.

توجه توأم با تفکر به نحوه شکل‌گیری زیباترین و رفیع‌ترین کانون خانواده برای زندگی مشترک برترین همسران هستی بر فراز عصرها و نسل‌ها، حضرت زهرا سلام الله علیها و امام متقیان علی علیه السلام می‌تواند کامل‌ترین الگو و بارزترین معیار زندگی آرام و آرامشگر برای همه خانواده‌ها و زوج‌های بلند همت باشد.

تاریخ فرهنگ و ارزش‌های اسلامی روایتگر زیباترین، جاودانه‌ترین و پربرکت‌ترین پیوند

ایشان نیز با توجه به نیازی که زهرا سلام‌الله علیها در خانه جدید و زندگی مشترک با علی علیه‌السلام داشتند و وسایلی را خریداری کردند.

در حقیقت بخش قابل توجهی از "مهریه" حضرت زهرا سلام‌الله علیها یعنی همان زره‌ای که پیش‌تر رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - خود به علی علیه‌السلام هدیه داده بودند، تبدیل به جهیزیه دختر والامقام پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمدبن عبدالله علیه‌الصلوة والسلام شد.

در اغلب متون معتبر تاریخی جهیزیه حضرت زهرا را اقسام ضروری زندگی روزمره ذکر کرده‌اند.^۶ مجموعه جهیزیه زهرای اطهر، سرچشمه کوثر، دختر گرامی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و همسر امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به شرح زیر بوده است:

- یک پیراهن
- یک روسری بزرگ
- یک عدد حوله
- یک تخت خواب تهیه شده از چوب و برگ خرما
- دو عدد تشک
- چهار عدد بالش
- یک پرده
- یک قطعه حصیر و بوریا
- یک عدد دستاس (آسیاب کوچک دستی)
- یک مشک چرمی
- یک عدد طشت مسی
- یک مشک برای آب کشی
- یک ظرف بزرگ برای دوشیدن شیر
- یک سبوی گلی سبزرنگ
- یک آفتابه
- چند کوزه سفالین

الله‌علیه‌وآله را به زبان جاری سازد، رسول‌الله که درود خدا بر او باد می‌فرماید: علی جان جز شما کسی شایسته زهرایم نیست و برای زهرای من کفوی جز شما سزاوار نیست. آن‌گاه پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: علی جان، برای عقد ازدواج و مهریه همسر و تشکیل زندگی مشترک چه داری؟ حضرت علی علیه‌السلام عرض کردند: در منزل آنچه دارم و می‌تواند قابل عرضه باشد، یک قبضه شمشیر، یک زره و یک شتر است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: علی جان شمشیرت را به هنگام ستیز و کارزار با دشمنان اسلام و جهاد و دفاع از حریم حق نیازخواهی داشت. شترت را برای آب‌رسانی به نخلستان‌ها و سفر کردن نیاز داری، اما از زرهات چندان استفاده نمی‌کنی، پس می‌توانی زره^۲ را مهریه فاطمه قراردهی و برای این وصلت مقدس هزینه نمایی، و من با رضایت دخترم فاطمه، او را در برابر همین زره به عقد تو در می‌آورم.

در متون معتبر تاریخی قیمت این زره را به مبالغ مختلف نگاهشته‌اند. در منابع مختلف قیمت زره را از سیصد درهم تا چهارصد و هشتاد درهم نوشته‌اند. در هر حال حداکثر قیمت ممکن زره‌ای که علی علیه‌السلام به عنوان "مهریه" تقدیم کرد پانصد درهم^۳ بود.

پیامبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمودند زره امیرمؤمنان علی علیه‌السلام را بفروشد و پول آن را که حدود پانصد درهم بود نزد ایشان آورند. پیامبر خدا مقداری از آن را به بلال دادند تا عطری خوشبو برای زهرای اطهر تهیه کند^۴ و مقداری از آن را برای مخارج مهمانی شب عروسی نگه داشتند.^۵ باقی پول زره و در واقع بیش‌تر آن را به چند نفر از اصحاب و نزدیکان دادند و فرمودند بروید لوازم موردنیاز (جهیزیه) زهرا را تهیه کنید.

می‌کند.

متأسفانه در موارد بسیاری حتی خانواده‌هایی که علی‌الظاهر تقید و تعهد بیش‌تری نسبت به دیگران به اسلام و ارزش‌های اسلامی از خود نشان می‌دهند، زمانی که مسأله ازدواج فرزند جوانشان مطرح می‌شود عنایت چندانی به فرآیند ازدواج دو الگوی کامل هستی - علی و زهرا علیهماالسلام - نمی‌کنند. در حالی که در عصر حاضر و همه عصرها به رغم همه پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌ها، سرمشق گرفتن از برترین الگوی ازدواج در بستر فرهنگ ارزش‌های اسلامی، آن هم با حضور و مشارکت شخص پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلم و توجه و عنایت به هدف غایی ازدواج و اصول حاکم بر تعیین مهریه و تهیه جهیزیه و تدارک ولیمه جشن عروسی در نهایت سادگی و صفا و لحاظ نمودن ضرورت‌ها و پرهیز از تجمل‌ها و مشارکت و مساعدت یاوران مخلص در مراحل مختلف این امر مهم کاملاً مقدور و میسر است.

در شب عروسی^۸ نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - پیشنهاد می‌کنند که مولای متقیان علی علیه‌السلام مراسم مهمانی و ولیمه دادن به مهمانان را تدارک ببیند و پیامبر (ص) با دادن مقداری از پول زره - که نزد ام سلمه به امانت گذارده بودند - به علی علیه‌السلام از ایشان خواستند با آن پول مقداری روغن و خرما و کشک تهیه کند و بقیه کارها را خود عهده‌دار شدند و با کمک جمعی از یاران گوشت و نان نیز آماده نمودند و شخصاً آستین‌ها را بالا زده، غذای بسیار لذیذی تهیه کردند و با آن غذا از همه مهمانان که اغلب از همسایگان و اهل مسجد بودند، پذیرایی نمودند. آری از مهریه پریبرکت حضرت زهرا سلام الله علیها هم عطریات خریداری شد، هم جهیزیه تهیه گردید و هم ولیمه‌ای برای میهمانان تدارک دیده شد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد اصل مهریه یعنی "زره" نیز توسط پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - به علی علیه‌السلام به رسم هدیه مرحمت شده بود.

برخی روایات موثق تاریخی نیز حاکی از این است که در شب عروسی و برنامۀ تدارک ولیمه و پذیرایی از مهمانان بیش‌ترین کار بر عهده پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - و جمعی از انصار و یاران پیامبر (ص) بود و برخی از اقلام مورد نیاز غذای میهمانی توسط عده‌ای از انصار هدیه شده بود.

نگاه دوباره بر روند ساده، زیبا و پرشکوه ازدواج مقدس علی علیه‌السلام و زهرا سلام الله علیها، کیفیت مهریه و نحوه تهیه جهیزیه و پذیرایی از مهمانان و نقش و مشارکت صادقانه و بی‌تکلف یاران صدیق و یاوران صمیمی در این رهگذر، ضرورت بازنگری بر فرآیند ازدواج جوانان در جامعه امروز ایران اسلامی را مضاعف

بدون تردید و به گواهی تاریخ و اذعان همه مورخان و محققان، پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - می‌توانستند مهریه دخترشان را هزاران سکه زر قرار دهند و از ده‌ها و صدها شتر برای حمل جهیزیه و گرانبهاترین وسایل و لوازم رنگارنگ و تجملی استفاده کنند. اما رسول خدا (ص) که هدف از رسالت خویش را رسانیدن انسان‌ها به رشد و فلاح و کمال بخشیدن به مکارم اخلاق اعلام می‌کند، همواره گفتار و رفتارشان در حیات

فرموده‌اند و بالطبع در شرایط و موقعیت‌های گوناگون و در هر عصر و زمانی مصداق‌های متناسب با آن در حریم و چهارچوب اصول، ارزش‌ها و معیارهای موردنظر، قابل عرضه و تعمیم خواهد بود.

ادامه دارد

فردی، خانوادگی و اجتماعی همه انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌ها کامل‌ترین الگوی زندگی است. پیامبر خدا (ص) در کلام و عمل خود در مورد موضوعات مهم خانوادگی و اجتماعی، همچون ازدواج؛ اصول، ارزش‌ها و معیارهایی را که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد به روشنی تبیین



پی‌نوشت‌ها:

۱- بدیهی است که پیش‌بینی و انتخاب فاصله زمانی معقول بین عقد زوجیت دو جوان و آغاز زندگی مشترک ایشان با عنایت به وضعیت خاص و موقعیت فردی و اجتماعی‌شان تنظیم می‌شود. این زمان می‌تواند از یک روز تا چند ماه و یا در شرایطی برای یک یا دو سال و یا بیش‌تر مورد توافق طرفین واقع گردد.

۲- این زره را نیز چندی قبل پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - به علی علیه‌السلام بخشیده بود. (زندگانی فاطمه زهرا (س)، تألیف استاد محقق شهیدی، صفحه ۵۸)

۳- پانصد درهم معادل چهارصد مثقال نقره است و در حال حاضر ۴۰۰ مثقال نقره در حدود دوست هزار تومان ارزش دارد.

۴- زندگانی فاطمه زهرا (س)، تألیف استاد محقق شهیدی، صفحه ۵۹.

۵- پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - مقداری از پول همان زره را برای هزینه ولیمه نزد ام سلمه به امانت گذاشت. (زهرا سلام‌الله علیها، برترین بانوی جهان، تألیف آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات سرور، صفحه ۴۳)

۶- زهرا سلام‌الله علیها برترین بانوی جهان، تألیف آیت‌الله مکارم شیرازی.

۷- زندگانی حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و برگزیدگان حضرت فاطمه زهرا (س).

۸- در مکاتب مختلف تاریخی فاصله زمانی عقد تا آمدن دختر پیامبر (ص) از خانه پدری به خانه امیر مؤمنان علی علیه‌السلام را از یک ماه تا یک سال و یا بیش‌تر ذکر کرده‌اند. (دکتر شهیدی، صفحه

(۶۱).

نگاهی دیگر به مسألهٔ افت تحصیلی و شیوه‌های مؤثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی

دکتر زهرا بازرگان

مقدمه

از وظایف اساسی آموزش و پرورش عمومی در هر کشور، انتقال میراث فرهنگی جامعه، پرورش استعداد‌های دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنان برای شرکت فعال در جامعه است. عدم موفقیت نظام‌های آموزشی در انجام این رسالت مهم در بسیاری از مواقع به صورت افت یا شکست تحصیلی بروز می‌کند که شامل کیفیت ضعیف یادگیری دانش‌آموزان، تکرار پایه و ترک تحصیل است.

ارائهٔ آموزش و پرورش یکسان برای همهٔ دانش‌آموزان به رغم تفاوت‌های فردی، مسائل و مشکلات عاطفی در خانواده و تفاوت اجتماعی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند از دلایل ایجاد کنندهٔ افت تحصیلی محسوب شود. از آن جا که تفاوت فرهنگی خانواده‌ها در شهرهای بزرگ کشورهای در حال رشد، غالباً بارز و آشکار است، نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند برای همهٔ طبقات اجتماعی کارایی لازم را داشته باشد؛ از این رو بسیاری از کودکان و نوجوانان، به خصوص در مناطق محروم، به رغم هوش و استعداد از ادامهٔ تحصیل باز می‌مانند.



می‌دهد که این پدیده در ایران نیز همانند سایر جوامع گزینشی است و همه طبقات اجتماعی به یک نسبت با آن مواجه نیستند. این امر در مناطق محروم و روستایی و در میان حاشیه نشینان شهرها بسیار عمیق‌تر است. برای مثال، آمار افت تحصیلی در سه منطقه تهران (مناطق ۳، ۱۲ و ۱۹) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان منطقه ۱۹ که بیش‌تر ساکنان حاشیه‌نشین تهران را در خود جای داده است، در حد وسیع‌تری در معرض این پدیده قرار دارند. (۱)

طی سال‌های اخیر در مورد علل افت تحصیلی مطالعات محدودی در سطح دانشگاه یا وزارت آموزش و پرورش انجام شده است. این نوع مطالعات غالباً یا به عوامل برون‌سازمانی و علل خارجی افت تحصیلی، مانند فقر و محرومیت اقتصادی و شرایط و عوامل فرهنگی - اجتماعی و یا به علل درون‌سازمانی نظیر شرایط آموزشگاه، نامتناسب بودن هدف‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها و مقررات مدارس با نیازهای روانی - عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان اشاره داشته‌اند. (۲) اما تحقیقات تجربی خاصی در جهت یافتن راه حل مناسب و آزمایش شیوه‌های مؤثر برای مقابله با آن انجام نگرفته است. البته پس از انقلاب اسلامی اقداماتی رسمی برای مبارزه با این معضل و در جهت افزایش قدرت حفظ و نگهداری دانش‌آموزان در مدرسه انجام شده است که از آن جمله می‌توان به تغذیه رایگان، ایجاد کلاس‌های جبرانی در برخی از مناطق و ایجاد شبانه‌روزی‌ها در مراکز روستاها اشاره کرد. از اقدامات غیرمستقیم در جهت تضمین موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و تشویق آنان به ادامه تحصیل می‌توان از آموزش اولیا، تعیین سهمیه برای مناطق محروم به منظور ورود به دانشگاه‌ها و... نام برد که

بحث تحلیلی حاضر بر این گروه از دانش‌آموزان تأکید دارد؛ زیرا تساوی در استفاده از فرصت‌های آموزشی همیشه به معنای بهره‌گیری مساوی از آموزش و پرورش ارائه شده در مدرسه و به پایان رساندن یک دوره آموزشی نیست و نظام‌های آموزشی موجود با آن که اهداف بشر دوستانه دارند کم‌تر می‌توانند در رفع تبعیضات اجتماعی موفق شوند.

شکی نیست که جلوگیری از افت تحصیلی از نظر فردی و اجتماعی امری لازم است؛ زیرا هر فرد در جامعه حق دارد که در حد استعداد خود از مواهب و امکانات آموزشی برخوردار شود. از آن گذشته، این امر از اتلاف هزینه‌های به کار رفته برای آموزش و پرورش جلوگیری کرده، جامعه را از استعدادهای و توانایی‌های یکایک افراد برخوردار می‌سازد. کوشش در راه شناخت و سپس پیش‌گیری و مقابله با عقب‌ماندگی‌های تحصیلی کودکان، به ویژه ساکنان مناطق محروم و حاشیه شهرها، از دیرباز در بسیاری از کشورهای غربی رواج یافته است. در سه دهه اخیر نیز نه تنها دولت‌ها خود را موظف به مقابله با این پدیده دانسته‌اند، که بنیادها و سازمان‌های اجتماعی به‌طور داوطلبانه روش‌های خاصی را برای مقابله با افت تحصیلی دانش‌آموزان تجربه کرده‌اند.

وسعت آمار افت تحصیلی در ایران، به خصوص در مناطق محروم، و کمبود مطالعات عمیق برای ریشه‌یابی و مبارزه با این معضل اجتماعی، نگارنده را برآن داشت تا شیوه‌های موفق مبارزه با افت تحصیلی را در غرب بررسی و تحلیل کند.

در ایران شکست تحصیلی زیاد و پرحجم است و از همان سال اول ابتدایی گریبان‌گیر برخی از دانش‌آموزان می‌شود. تحلیل‌های آماری نشان

مستمر به جای امتحانات مقطعی از اقداماتی است که قدرت نگهداری مدرسه را افزایش می‌دهد. اقدام‌های تربیتی - اقدامات تربیتی شامل توسعه مراکز تربیت معلم به عنوان قدم اصلی برای تضمین کارآیی نظام و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، بهبود برنامه‌های آموزش ضمن خدمت و نیز گسترش دوره‌های پیش‌دبستانی به‌خصوص در محله‌ها و مناطقی است که کودکان به علت فقر فرهنگی و مشکلات اقتصادی اولیا آمادگی ادامه تحصیل موفقیت‌آمیز در مدرسه و رقابت با دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مرفه‌تر را ندارند.

اقدام‌های انگیزشی و مادی - این اقدامات شامل تغذیه رایگان، استفاده از لباس و لوازم التحریر رایگان، به ویژه برای دختران مناطقی است که حضور آنان در مدرسه نسبت به پسران کم‌تر است. سایر اقدام‌ها شامل اهدای بورس و هزینه تحصیلی و ارائه امکانات خاص مانند دوچرخه به دانش‌آموزان روستاهای دور افتاده برای حضور در مدرسه است.

مشارکت اولیا و جامعه محلی - جلب مشارکت اولیا به منظور علاقه‌مند کردن آنان به تحصیل و در نتیجه، جلوگیری از افت تحصیلی فرزندانشان انجام می‌گیرد.

تشریک مساعی اولیا شامل شرکت فعال آنان در انجمن‌های اولیا و مربیان و کمک گرفتن از آن‌ها در اداره کلاس و مدرسه تا ساختن یا تجهیز مدرسه به کمک خود آنان می‌باشد.

اقدام‌های غیررسمی - اقدامات غیررسمی به منظور حفظ و نگهداری دانش‌آموزان در مدرسه و جلوگیری از ترک تحصیل با استفاده از امکانات محلی و ایجاد فضاهای آموزشی اضافی انجام می‌گیرد. برای مثال، نهادها یا سازمان‌ها می‌توانند

هر کدام از راه‌های فوق در نوع خود ضروری و مفید است، اما برای پاسخ‌گویی به مشکل شکست تحصیلی خیل عظیمی از دانش‌آموزان کافی به نظر نمی‌رسد.

مقابله با افت تحصیلی در کشورهای آسیا و اقیانوس آرام (۳)

بررسی مسائل آموزش و پرورش در برخی از کشورهای آسیا و اقیانوس آرام، مانند هندوستان، پاکستان، بنگلادش، فیلیپین و تایلند، از طریق گزارش‌های یونسکو نشان می‌دهد که این کشورها نیز در زمینه عوامل بازدارنده تداوم تحصیلات دانش‌آموزان با کشور ما مسائل مشترکی دارند. این تحقیقات به خصوص نمودار این واقعیت است که هر جا فقر بیش‌تر باشد، شکست تحصیلی نیز عمیق است.

این گزارش‌ها، راهبردها و اقداماتی را که این کشورها برای مبارزه با پدیده افت و ترک تحصیلی انجام داده‌اند و نتایج موفقیت‌آمیز اقدامات انجام شده را منعکس می‌کنند. برخی از راهبردهای موفقیت‌آمیز کشورهای آسیا و اقیانوس آرام در زمینه جلوگیری از افت تحصیلی به شرح زیر است:

اقدام‌های سازمانی - در بین اقدام‌های سازمانی، ارتقای اتوماتیک دانش‌آموزان از همه رانج تراست. در این روش به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند که بدون گذراندن امتحان به کلاس بالاتر بروند. این کار باعث می‌شود که کودکان قشرهای محروم بتوانند لااقل یک دوره تحصیلی را به پایان برسانند. بدیهی است چنین برخوردی به همراه اقدامات تربیتی و به کارگیری معلمان با صلاحیت انجام می‌گیرد تا همه کودکان بتوانند با سطح مورد انتظار کلاس پیش بروند. جای گزینی ارزش‌یابی



البته بر اساس آمارهای بین‌المللی، طی چند سال اخیر پیشرفت‌های زیادی در این مناطق چه در سطح آموزش کودکان و چه از نظر حفظ و نگهداری آنان در مدرسه - حاصل شده و این اقدام‌ها در بعضی مناطق، به خصوص در برخی از ایالات هندوستان، بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. اما به هر حال مسأله افت تحصیلی به قوت خود باقی است و اقدام‌های فوق توانسته به ریشه کن کردن و حتی کاهش قابل ملاحظه این معضل بینجامد.

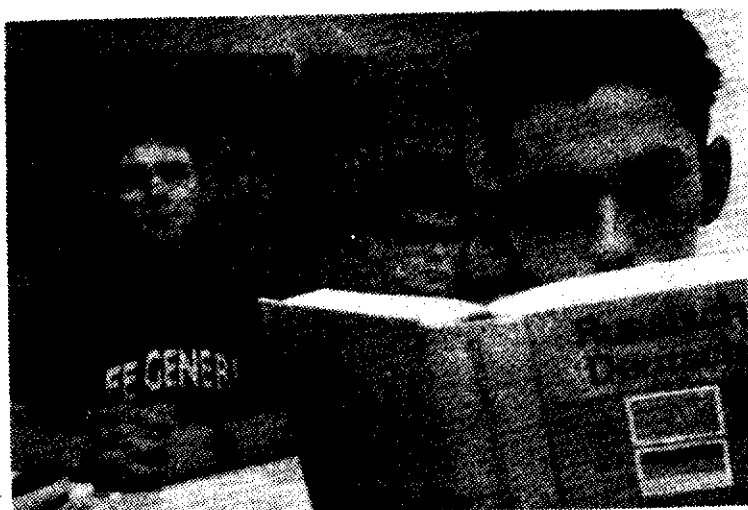
افت تحصیلی در غرب و شیوه‌های

مبارزه با آن

مطالعات مربوط به افت تحصیلی در غرب بسیار فراوان بوده و اعتبارات قابل توجهی برای پژوهش در زمینه رفع این مشکل اجتماعی اختصاص داده شده است. مطالعات مزبور هم در زمینه عوامل ایجاد کننده افت تحصیلی است و هم

به عنوان مکمل مدرسه عمل کنند و در بخشی از مسئولیت‌های مدرسه شریک شوند. در بنگلادش و اندونزی دانش‌آموزان می‌توانند برای دو سال اول دوره ابتدایی از امکانات محلی استفاده کنند و سپس برای شروع آموزش رسمی به مدرسه بروند. در پاکستان از مساجد به عنوان مکمل آموزش رسمی استفاده می‌شود. بدین ترتیب از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ آموزش دانش‌آموزان کلاس اول تا سوم ابتدایی این کشورها در ۸۲۰۰ مسجد انجام گرفته است.

اکثر اقدام‌های فوق بر این فرض قرار گرفته است که دانش‌آموزان معمولاً به دلیل مضیقه‌های مادی دچار عقب‌ماندگی تحصیلی و ترک تحصیل می‌شوند؛ به این ترتیب اگر از نظر مادی تأمین شوند در مدرسه می‌مانند و موفق هم می‌شوند. دیگر این که اختلاف فرهنگ کودکان با فرهنگ غالب در مدرسه به شکست تحصیلی منجر می‌گردد؛ بنابراین باید در کاهش این اختلاف و پر کردن فاصله بین دو فرهنگ کوشید.



هم چنین مطالعاتی که در مورد علل شکست تحصیلی انجام گرفت، عامل فردی را به عنوان مهم ترین دلیل شکست تحصیلی مورد تردید قرار داد.

۲- افت تحصیلی و کمبودهای خانوادگی

از اواسط قرن بیستم به تدریج شکست تحصیلی نه به عنوان پدیده‌ای فردی، که به عنوان مسأله‌ای اجتماعی مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفت و در بین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ سرمایه‌گذاری‌های وسیعی برای مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی اختصاص داده شد. در این دوران بسیاری از متخصصان، عوامل اجتماعی - فرهنگی را دلیل افت تحصیلی دانستند. در این مورد می‌توان به تحقیقات کلمن (۱۹۶۰) در آمریکا، تحقیقات پلادن (۱۹۶۳) در انگلستان در مورد کودکان ۱۱ سال به بالا و پژوهش‌های دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت در زمینه نابرابری فرصت‌های آموزشی اشاره کرد. تحقیقات فوق بدون این که نقش عوامل و خصوصیات فردی را

روش‌های پیش‌گیری و مقابله با آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. (۴)

در بررسی پژوهش‌های انجام شده در غرب سه گرایش عمده در زمینه توضیح و مقابله با این پدیده اجتماعی وجود دارد:

۱- افت تحصیلی و عوامل فردی

در شروع قرن بیستم عقب ماندگی تحصیلی را به طور عمده ناشی از عوامل فردی دانسته، خصوصیات شخصیتی، کمبودهای ذهنی، اختلالات روانی و عاطفی را از عوامل عمده شکست تحصیلی دانش آموز تلقی می‌کردند. در آن زمان اعتقاد بر این بود که اگر با وجود امکاناتی که برای برخورداری از آموزش و پرورش در اختیار کودک قرار می‌گیرد او نتواند به موفقیت تحصیلی دست یابد، این امر ناشی از تنبلی یا عقب ماندگی ذهنی اوست. (۵)

اما افزایش تقاضا برای آموزش و پرورش و در نتیجه، شکست تحصیلی گروه‌های عظیمی از دانش آموزان قشرهای آسیب‌پذیر جامعه و

تأکید کردند و اعلام داشتند که مشکل اصلی در ناسازگاری دانش آموزان با محیط مدرسه و برنامه‌های آموزشی آن نیست، و اشکال اساسی به ناتوانی مدرسه در سازگار کردن خود با کودکان طبقات محروم جامعه و نیازهای آنان بر می‌گردد. "بورديو" و "پاسرون" در تحلیل مکانیسم موانعی که در مقابل تحرک اجتماعی قرار دارد، مدرسه را با معیارها و نظام ارزش‌یابی آن محکوم کردند و به عنوان عامل اصلی تبعیض اجتماعی و مسؤول طبقه‌بندی کردن افراد جامعه معرفی نمودند. بورديو می‌گوید: "مدرسه ابتدایی که باید عامل اصلی برقراری تساوی اجتماعی باشد خود در حقیقت بزرگ‌ترین عامل تبعیض است. مدرسه ابتدایی ابزار پیشرفت و ترقی کودکان طبقه مرفه می‌باشد و بر اساس فرهنگ طبقه متوسط و انتظارات این طبقه شکل گرفته است." (۹)

نفی کند، بر شرایط اجتماعی - اقتصادی و کمبود انگیزه در محیط خانواده و روش‌های تربیتی نامناسب تأکید کرده، رابطه مستقیمی را بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و شکست تحصیلی جست و جو می‌نماید. (۶) این تلقی از شکست تحصیلی باعث به وجود آمدن مدل‌ها روش‌های اصلاحی و جبرانی خاصی شد که میلیون‌ها دلار هزینه در برداشت. در این دوران اعتقاد بر این بود که فرزندان طبقات محروم جامعه به علت شرایط خاص خانوادگی دچار کمبودهایی از نظر هوش اکتسابی و رشد کلامی و اجتماعی هستند و مدرسه باید بتواند این کمبودهای خانواده‌های محروم را جبران کند. این طرز تفکر و ظهور آموزش و پرورش جبرانی نیز بر پایه چنین فلسفه‌ای قرار دارد که شکست تحصیلی ناشی از کمبودهای فرهنگی یادگیرنده است؛ بنابراین مدرسه و سیاست‌های حاکم بر آن هنوز مورد سؤال قرار نگرفته بود.

۳- افت تحصیلی و عوامل درون مدرسه

گرایش سوم که از اواخر سال‌های ۱۹۶۰ میلادی و در سال‌های ۱۹۷۰ موضوع مقالات مربوط به جامعه‌شناسی را در غرب به خود اختصاص داده بود، شکست تحصیلی را ناشی از عوامل درون سازمانی یعنی عوامل مربوط به مدرسه می‌داند. جریان فکری فوق نقش‌گزینی مدرسه را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ نقشی که به طرد و محروم کردن گروه‌های بی‌شماری از دانش‌آموزان می‌انجامد. در این زمینه جامعه‌شناسانی مانند بورديو و پاسرون (۷)، استابله و بودلو (۸) در فرانسه از پیشگامان این جریان فکری هستند که به عدم تناسب مدرسه با شرایط، امکانات و نیازهای کودکان طبقه محروم

این جریان فکری محتوا و روش‌های آموزش و پرورش، روابط حاکم بر مدرسه، نظام ارزش‌یابی، انتظارات و مقررات مدرسه را زیر سؤال قرار داد و اعلام کرد که مدرسه نقشی گزینی دارد و برای کسانی مناسب است که پیش از این که قدم به صحن مدرسه بگذارند از محیط خانوادگی و روش‌های تربیتی خاصی بهره‌مند بوده‌اند؛ اما کودکان طبقه محروم با عدم آمادگی قبلی، با تجربیات ناموفق و تلخ مدرسه، با پیش‌داوری و انتظار منفی معلمان، با انتظارات خشک و ساختار سلسله‌مراتبی مدرسه نمی‌توانند رابطه‌ای مثبت با درس و تحصیل برقرار کنند و در نتیجه، با از دست دادن اعتماد به نفس خود دچار عقب‌ماندگی تحصیلی می‌شوند.

آموزش و پرورش از افکار و ایده‌های آنان سرچشمه گرفته است. البته مدل‌هایی که با الهام دانشمندان مزبور در دو دهه اخیر توسعه پیدا کرده لزوماً برای مبارزه با افت تحصیلی نیست؛ اما پیام اصلی آنان این است که همه کودکان می‌توانند موفق شوند، مشروط بر این که نوع آموزش و پرورش ارائه شده در مدرسه با نیازهای رشد، انگیزه و توانایی‌های کودکان سازگار باشد.

از بین مدل‌هایی که در این خط فکری مطرح شده و رواج یافته است، می‌توان آموزش و پرورش انسان‌گرا^۱، آموزش و پرورش انفرادی شده^۲، آموزش و پرورش کمال‌گرا یا آموزش موفقیت‌گرا^۳ را نام برد. بدیهی است این دو دیدگاه، چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ ایدئولوژیکی، کاملاً تفاوت دارد. آنان که با مشروعیت بخشیدن به مدرسه در تلاش هستند که به بازده آن بیفزایند با محققانی که می‌کوشند مدرسه را تغییر دهند تا جامعه و روابط حاکم در آن تغییر کند تصورشان از کودک، از هدف‌های تربیتی و نقش مدرسه متفاوت است.

در این مقاله چند نوع از روش‌های برخورد با افت تحصیلی که در چند سال اخیر تحت عنوان دیدگاه اصلاحی یا درمانی مطرح شده است، بررسی می‌شود تا در فرصت دیگر شیوه‌های ایجاد تغییر و تحول اساسی در مدرسه نیز مورد تحلیل قرار گیرد.

روش‌های اصلاحی و درمانی آموزش و

پرورش

در بین روش‌های اصلاحی و درمانی آموزش و پرورش برای مقابله با افت تحصیلی در مدرسه به دو گرایش عمده برخورد می‌کنیم: گرایش اول شامل آموزش و پرورش جبرانی، کلاس‌های

شیوه‌های برخورد با پدیده افت تحصیلی در غرب

در کشورهای غربی بر اساس تفکرات فوق و جریان‌های فکری متفاوت، برخوردهای گوناگونی با مسأله افت تحصیلی صورت می‌گیرد که این برخوردها در دو خط فکری مختلف و بر دو پایه استوار است:

۱- روش‌های ترمیمی و جبرانی مقابله با افت تحصیلی

هدف از اجرای این روش‌ها از یک سو جبران کمبودهای اجتماعی - فرهنگی دانش‌آموزان و کاهش تفاوتی است که بین دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف وجود دارد و از سوی دیگر، تلاش در جهت افزایش بازدهی نظام آموزشی است. اکثر این برنامه‌ها دانش‌آموزان را زیر پوشش قرار می‌دهد؛ اما گاهی اولیا و معلمان را نیز به منظور تضمین اثربخشی بیش‌تر برنامه به مشارکت می‌طلبند.

۲- روش‌های تغییر و تحول بنیادی مدرسه

جریان‌های فکری فوق، مدرسه را به عنوان وسیله‌ای ممتاز برای ایجاد تغییر و تحول در جامعه تلقی می‌کند؛ به شرط این که مدرسه بتواند با تغییر بنیادی در هدف‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها و روابط حاکم، خود را تغییر دهد و با نیازهای رشد و زندگی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف تطبیق یابد. بدین ترتیب برخلاف روش‌های جبرانی که غالباً کودک را با محیط مدرسه سازگار می‌کند، هدف از جنبش فکری اخیر این است که مدرسه را با کودکان سازگار نماید.

از پیشگامان فکری این مکتب می‌توان به مریانی مانند دکتر دکرولی، راجرز و فرنه^۱ اشاره کرد که در نیمه دوم قرن اخیر بسیاری از تحولات

الف - آموزش و پرورش جبرانی^۵

آموزش و پرورش جبرانی از وسیع‌ترین و پرهزینه‌ترین پروژه‌هایی است که در چند دهه اخیر در زمینه مقابله با افت تحصیلی طراحی و اجرا شده است.

نظریه آموزش و پرورش جبرانی که از اوایل سال‌های ۱۹۶۰ ابتدا در آمریکا و سپس در اروپا مطرح شد، بر اساس این فرضیه قرار دارد که دانش‌آموزانی که دچار افت تحصیلی می‌شوند معمولاً از قشرهای محروم و غیرمرفه جامعه‌اند و مشکلات اصلی آنان ناشی از کمبودهای محیط فرهنگی و اجتماعی خانواده است. از این‌رو مدرسه باید با ارائه فعالیت‌های خاص در داخل و خارج مدرسه (با استفاده از امکانات متعدد

تطبیقی، آموزش متقابل و خدمات حمایتی در مدرسه است. هدف از شیوه‌های آموزشی فوق ارائه اقداماتی به منظور بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و افزایش کارایی مدرسه است. این روش‌ها نظام آموزشی، مدرسه و اهداف آن را زیر سؤال قرار نمی‌دهد. هدف این است که دانش و مهارت‌هایی به کودکان منتقل گردد و دانش‌آموزان به ابزاری مجهز شوند که بتوانند در جهت موفقیت تحصیلی و اجتماعی از آن استفاده کنند. گرایش دوم پیش‌تر هدف اجتماعی دارد. معلمان و طرفداران این گرایش در مدرسه توانایی حل مسائل تربیتی را به خصوص برای دانش‌آموزان محروم در خود نمی‌بینند و عقیده دارند که باید کوشش‌های همه عوامل و سازمان‌های ذینفع در جهت بهبود آموزش و پرورش این‌نوع دانش‌آموزان متمرکز شود.



هدف طرفداران این گرایش تنها بهبود وضعیت تحصیلی کودکان نیست؛ هدف اصلی مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی و تغییر روابط حاکم است. جنبش مدارس تکلیف شب، تعیین مناطق اولویت‌دار از نظر آموزش و پرورش و آموزش خانواده از نگرش فوق‌نشاط گرفته است. علاقه‌مندان این طرز تفکر نه تنها کودکان را در داخل و خارج مدرسه زیر پوشش فعالیت‌های مختلف آموزشی و پرورشی قرار می‌دهند؛ که اولیا و جامعه محلی را هم در برمی‌گیرند و از همکاری سازمان‌های محلی در غنی کردن محیط و فعالیت‌های مدرسه استفاده می‌کنند.

در این بخش شرح مختصری در مورد هر یک از روش‌های فوق ارائه می‌شود:

کلامی و کمبود انگیزه پیشرفت، به رفع کمبودها در زمینه‌های فوق توجه کرد و برای ایجاد انگیزه بیش‌تر در دانش‌آموز همه امکانات مادی و معنوی مدرسه را به کار گرفت. بدین منظور دوره‌های فشرده آموزشی برای تجهیز معلمان به مؤثرترین روش‌های تدریس به دانش‌آموزان محروم و پاسخ‌گویی به نیازهای ویژه آنان ترتیب یافت و انگیزه‌های مادی قابل توجهی برای این معلمان در نظر گرفته شد.

اثرات آموزش و پرورش جبرانی

از تأثیرات مهم برنامه‌های جبرانی توجه دادن به اثرهای محیط خانوادگی بر رشد کودک و مطرح ساختن جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی شکست تحصیلی بود. این برنامه باعث شد که ضرورت ایجاد آموزش و پرورش متناسب با نیازهای کودکان، به خصوص دانش‌آموزان محروم، مطرح گردد.

با این که برنامه‌های جبرانی انواع مختلفی دارد، ارزش‌یابی از برخی برنامه‌ها نشان می‌دهد که نتایج به دست آمده در مورد موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان چندان قابل توجه نیست و با این که ارزش‌یابی فوری پس از اجرای برنامه‌ها از نظر رشد عاطفی و مهارت‌های کلامی مثبت است، این اثرها هنگامی که خانواده مشارکت و همکاری لازم را برای تداوم برنامه نداشته باشد ناپایدار می‌شود. برنشتاین بر این اعتقاد است که اثرات ضایع‌کننده محیط خانوادگی نامطلوب را نمی‌توان بدون تغییر محیط خانوادگی در کودک از بین برد. برونفنبرنر در انتقاد به آموزش و پرورش جبرانی می‌گوید: "آموزش و پرورش جبرانی توجه جامعه را از سازمان درون مدرسه و اثرات منفی آن بر خانواده و کودک متمرکز می‌نماید."

ایرادی که مریبان از نظر اخلاقی به این نوع

آموزشی، برنامه‌های تسلیزبونی، تنظیم گردش‌های علمی، کلاس‌های تقویتی و تفریحی و غیره...) کمبودهای فرهنگی آنان را جبران کند تا تفاوت موجود بین کودکان خانواده‌های مرفه و طبقات محروم جامعه کاهش پیدا کند.

طرفداران این جنبش بر کمبودهای رشد این کودکان، چه از نظر هوش و چه از نظر کلامی و عاطفی، تأکید دارند و بنابراین می‌کوشند با تنظیم برنامه‌های آموزشی و تربیتی خاص، کودکان را برای تسلط بر درس‌های مشکل آماده کنند. برنامه‌های جبرانی بر خلاف آنچه در ایران به نام کلاس‌های جبرانی مشهور شده است، تنها بر تقویت درسی متمرکز نیست و کلاس‌های تقویتی بخش کوچکی از محتوای آموزش و پرورش جبرانی را تشکیل می‌دهد.

- برنامه‌های متنوع جبرانی

پروژه‌های جبرانی به طور کلی بر دو نوع است: مشهورترین برنامه‌ها یکی برنامه‌هایی از نوع برنامه معروف هداستارت^۶ است. این برنامه با توجه به اهمیت دوران کودکی در رشد ذهنی کودک جنبه پیش‌گیری داشته، اغلب بر دوران پیش دبستانی تأکید دارد و هدف آن رشد توانایی‌های شناختی و کلامی کودکان است.

نوع دوم برنامه‌هایی از نوع پروژه فالوترو^۷ است. هدف از این برنامه که کودکان و به خصوص نوجوانان را زیر پوشش قرار می‌دهد، ایجاد انگیزه لازم در دانش‌آموز و در خانواده در مورد درس و تحصیل است. برخی از برنامه‌ها به مسائل شخصیتی دانش‌آموز، پذیرش خود و ایجاد احساس امنیت و استقلال در دانش‌آموز توجه دارد. این برنامه‌ها در ابتدا بر تقویت هوش و رشد شناختی متمرکز بود؛ اما به تدریج با توجه به نارسایی‌های کودکان طبقات محروم از نظر رشد



پداگوژی وارد کرده‌اند این است که فرهنگ طبقات اجتماعی غیرمرفه، کم‌بها و عاملی بازدارنده برای رشد و پیشرفت فرزندان این طبقه تلقی شده است.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- 1- DECROLY ,O, ROGERS,C., FREINET
- 2- PEDAGOGIE HUMANISTE
- 3- PEDAGOGIE DIFFEINCIIEE
- 4- PEDAGOGIE DE SUCCES
- 5- COMPENSATORY EDUCATION
- 6- HEAD START
- 7- FOLLOW THROUGH

نقل از فصلنامهٔ تعلیم و تربیت - شمارهٔ ۵۹
نشریهٔ پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت

منابع:

1-BAZARGAN, ZAHRA,(1990) LES CLASSES DE DEVOIRS, UNE SOLUTION AUX PROBLEMES DE L ECHEC SCOLAIRE DES ENFANTS DU MILIEUX DEFVORISES DE TEHRAN. U.L.B. BRUXELLES

۲- امین فر، مرتضی: علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن، فصلنامهٔ تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، بهار و تابستان ۱۳۶۸، صفحه ۹-۳۷.

3- THE DROP - OUT PROBLEM IN PRIMARY EDUCATION (1984), UNESCO, REG. OFFICE FOR EDUCATION, ASIA AND THE PACIFIC, BANGKOKE.

4- SAND ET AL(1982), L ECHEC SCOLAIRE L ECOLE PRIMAIRE, ASPECTS PSYCHO - SOCIAUX - PREVENTION. RECHERCHE EN EDUCATION, BRUXELLES.

5- HUSON, T.(1976). L ECOLE EN QUESTION, LIEGE, BRUXELLES, MARADAGA.

6-VIAL, M., AND STAMBAKE, M, (1983).LE HANDICAP SOCIO - CULTUREL EN QUESTION, PARIS, CRESAS.

7-BOURDIEU, ET PASSERON,J (1964) LES HERITIERS ET LA CULTURE, ED. DE MINUIT, PARIS.

8- BAUDELLOT, C ET ESTABLET, R, (1972), L ECOLE CAPITALISTE EN FRANCE, PARIS, MASPERO.

9- BOURDIEU, PET PASSERON , J (1964) , IDEM, P. 192.

راهبردهای یادگیری

چارچوبی برای

آموزش و یادگیری بهتر

اصطلاح راهبردهای یادگیری به انواع مختلفی از اعمال ارادی و آگاهانه اطلاق می‌شود که به وسیله یادگیرندگان برای دستیابی به اهداف یادگیری اتخاذ می‌شود. این راهبردها دامنه‌ای از فعالیت‌های کلی از قبیل مشاهده یک فرد ماهر یا تمرین یک مهارت تا فعالیت‌های ریز پردازنده از قبیل مرور ذهنی اطلاعات یا انتقال اطلاعات جدید به دانش ذخیره شده موجود را در بر می‌گیرند. (البام و همکاران، ۱۹۹۳).

روان‌شناسان تربیتی معتقدند که استفاده از راهبردهای یادگیری در کتاب‌های درسی یا در طول مطالعه به دانش‌آموزان کمک خواهد کرد که بهتر یاد بگیرند. واژه راهبردهای یادگیری، هم شامل راهبردهای شناختی و هم راهبردهای فراشناختی است. راهبردهای شناختی فرایندهایی هستند که ما برای نظارت، کنترل و اداره کنش‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کنیم. به عبارت دیگر راهبردهای شناختی فرایندهایی هستند که معین می‌کنند چگونه ما توجه و سازمان‌دهی می‌کنیم،

صغری استوار



نوع دانش فراشناختی از نظر فلاول (۱۹۷۹) عبارتند از:

- ۱- دانش فرد درباره خود
- ۲- دانش فرد درباره تکلیف
- ۳- دانش فرد درباره راهبرد

به عقیده وی این سه نوع دانش فراشناختی و تعامل بین آن‌ها بر عملکرد یادگیرنده تأثیر می‌گذارد. به نظر فلاول تجارب فراشناختی شامل هر گونه تجربه شناختی و عاطفی آگاهانه‌ای است که همراه و وابسته به کوشش‌های فکری است و بیش‌تر در موقعیت‌هایی اتفاق می‌افتد که برانگیزاننده تفکر دقیق و آگاهانه باشد (فلاول، ۱۹۷۹).

به‌طور کلی فراشناخت عبارت است از فرایندی فعال و تأملی که به وضوح و منحصرأ متوجه اعمال شناختی خود فرد بوده، شامل خود بازمینی، خودارزیابی و خودنظم‌دهی تکالیف در حال انجام می‌باشد (کلو، ۱۹۸۲). بنابراین باید بین راهبردهای شناختی و فراشناختی تمایز قائل شد. در حالی که راهبردهای شناختی برای تسهیل یادگیری و تکمیل تکلیف به کار می‌روند، راهبردهای فراشناختی به منظور بازمینی این پیشرفت مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر وقتی به دانش‌آموزان بگویم که به نحوه خواندن خودتان نظارت داشته باشید، مطالب مهم را شناسایی و رتبه‌بندی کنید، بدانید چه موقع بهتر یاد می‌گیرید، یا چه فاصله‌ای مطالعه کردن منجر به یادگیری بهتر خواهد شد و ... همه این موارد به فراشناخت اشاره دارد (خرازی، ۱۳۷۵). به بیان واضح‌تر وقتی دانش‌آموزی پرسش‌های زیر را از خودش پرسد، در واقع به دانش فراشناختی روی آورده است:

- درباره این موضوع چه می‌دانم؟

می‌آموزیم و اشیاء را به خاطر می‌سپاریم (پارک، ۱۹۹۵).

راهبردهای شناختی گاهی با حداکثر آگاهی نسبت به آن‌ها و گاهی به طور خودکار با حداقل و یا بدون آگاهی از آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. بیش‌ترین آگاهی در خصوص استفاده از آن‌ها هنگامی حاصل می‌شود که آن‌ها را برای اولین بار یاد می‌گیریم، تلاش می‌کنیم تا تصحیح یا تغییر در آن‌ها به وجود آوریم و یا سعی کنیم آن‌ها را عمداً به کار گیریم. تکرار استفاده از راهبرد خاصی در موقعیت‌های مشابه، موجب خودکار شدن استفاده از آن‌ها و کاهش آگاهی نسبت به این استفاده می‌شود. موفقیت در مدرسه ممکن است به استفاده از راهبردهای مؤثر بستگی داشته باشد. کودکان پرتوان ممکن است به دلیل ناآگاهی از راهبردهای مؤثری که با کارهای تحصیلی‌شان تناسب دارد، از لحاظ درسی دچار شکست شوند، یا ممکن است به این علت دچار شکست شوند که بر راهبردهای نامناسب و ناکافی تکیه می‌کنند و یا در استفاده از راهبردها ناتوان هستند. از طرف دیگر کودکان کم‌توان ممکن است از لحاظ درسی موفق باشند، چون که یاد گرفته‌اند از راهبردهای شناختی استفاده کنند و با ترکیب آن‌ها، نقایص یادگیری خود را به حداقل برسانند.

در سال‌های اخیر با روشن شدن ناکافی بودن راهبردهای خالص شناختی، راهبردهای فراشناختی نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. فلاول (۱۹۷۹) در مدل فراشناختی معروف خویش، فراشناخت را به دانش فرد درباره محصولات و فرایندهای شناختی خود و نیز به بازمینی فعالانه، تنظیم و هماهنگی این فرایندهای شناختی اطلاق می‌کند. او هم به دانش فراشناختی و هم به تجارب فراشناختی اشاره می‌نماید. سه



پیچیده‌تر مانند یادگیری اندیشه‌های اصلی یک متن چاپ شده، مرور ذهنی ممکن است با خط کشیدن زیر اندیشه‌های اصلی یا نوشتن از روی بخشی از متن انجام گیرد.

۲- راهبردهای بسط دهی: در استفاده از راهبردهای بسط دهی، یادگیرنده عملاً ماده‌ای را که قرار است یاد بگیرد با سایر مطالبی که به راحتی قابل دسترسی است ربط می‌دهد. مثلاً در یادگیری لغات زبان بیگانه، واژه خارجی را می‌توان با تصویر ذهنی از کلمه‌ای فارسی که رابطه صوتی با کلمه خارجی دارد یا با آن تلفظ یکسانی دارد، تداعی کرد. وقتی این مورد در یادگیری متون نثر به کار می‌رود، بسط دهی شامل فعالیت‌های تفسیر کردن، خلاصه کردن، یادداشت برداشتن و تهیه سؤال و جواب می‌شود.

۳- راهبردهای سازمان دهی:

مرتب کردن مطالب یادگرفتنی در چارچوب سازمان یافته فن اساسی این راهبردهاست.

- به چقدر وقت برای یادگیری این موضوع نیاز دارم؟

- برای یاد گرفتن این موضوع چه راهبردی مناسب است؟

- آیا آنچه را که درباره این موضوع هم اینک خواندم، فهمیدم؟

بنابر آنچه تاکنون بیان شد برای بالا بردن موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان باید به آموزش راهبردهای یادگیری پرداخته شود. وینستین و مه یو (۱۹۸۶) راهبردهای یادگیری را به پنج طبقه تقسیم‌بندی می‌کنند که به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- راهبردهای مرور ذهنی: به وسیله این راهبردها یادگیرندگان مواد یاد گرفته شده را با خود تمرین می‌کنند. در ساده‌ترین شکل، تمرین شامل تکرار صرف نام‌ها یا اقلام در فهرستی مرتب شده است. در مورد تکالیف یادگیری

به کار رود. آموزش این راهبردها می‌تواند با آگاه کردن دانش‌آموزان از عملشان و تدارک دیدن راه‌هایی برای آن‌ها تا استفاده از راهبردها را تمرین کنند، صورت گیرد.

تحقیقات بیراتیر و اسکادا مالیا (۱۹۸۵) نشان می‌دهد که آموزش این راهبردها نتایج مهیجی را به دنبال می‌آورد و بر عملکرد دانش‌آموزان کاملاً مؤثر است. متأسفانه چگونگی استفاده از این راهبردها معمولاً به دانش‌آموزان و دانشجویان نه تنها چگونگی و موقعیت مناسب برای استفاده از این راهبردها را یاد نگرفته‌اند، بلکه عموماً اطلاعی از این راهبردها نیز ندارند (لطف‌آبادی، ۱۳۷۴).

دانش‌آموزان ممکن است با چهار نوع مشکل در به کارگیری فنون و راهبردها مواجه شوند: اول این‌ها که آن‌ها ممکن است در موقعیت‌های بازشناسی که در آن‌ها راهبردها انتخاب می‌شوند، مشکل داشته باشند. دوم ممکن است دانش‌آموزان

یادگیرنده می‌تواند مجموعه کلماتی را که باید به یاد آورده شود، در طبقات معنی‌دار مرتب کند. روابط بین واقعیت‌ها را می‌تواند در جدولی سازمان دهد و نشانه‌های ترتیب فضایی را برای یادآوری مطالب به کار برد. خلاصه کردن اندیشه‌های اصلی در قطعات نثری و سازمان‌دهی اندیشه‌ها به طریقی تازه روشی دیگر است.

۴- راهبردهای نظارت بر درک: این راهبردها که گاهی راهبردهای فراشناختی خوانده می‌شود با توانایی دانش‌آموزان در تعیین اهداف یادگیری، تخمین موفقیت در رسیدن به اهداف و انتخاب راهبردهای جانشین برای رسیدن به اهداف مربوط می‌شوند. این‌ها راهبردهایی هستند که برکارکرد نظارت دارند و حضور آن‌ها در خواندن برای درک مطالب آشکار است.

۵- راهبردهای عاطفی: این فنون برای تمرکز و نگهداری توجه، کنترل اضطراب و کنترل دقت به وسیله یادگیرندگان می‌تواند به نحوی ثمربخش



بنابراین با توجه به موارد فوق لازم است معلمان این راهبردها را به نحو مؤثر آموزش دهند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا درک کنند که فعالیت‌های مختلف یادگیری مستلزم به‌کارگیری راهبردهای متفاوتی است و در آن‌ها انگیزه لازم برای به‌کارگیری راهبردهای یادگیری را ایجاد نمایند.

از اهداف تکلیف برداشت غلطی داشته باشند و در نتیجه راهبردها را به‌طور اشتباه با موقعیت‌های واقعی تکلیف هماهنگ کنند. سوم این که احتمال دارد دانش‌آموزان راهبردهای مناسبی انتخاب کنند اما به خاطر این که آن‌ها فاقد تبحر در اجرای آن راهبردها هستند در اجرای آن‌ها شکست بخورند. نهایت این که ممکن است هیچ کدام از این موانع وجود نداشته باشد، اما دانش‌آموزان برای صرف تلاش برای به‌کارگیری یک راهبرد فاقد انگیزش باشند (باتلرووین، ۱۹۹۵) به نقل از موسوی‌نژاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، (۱۳۷۶).

منابع :

- ELBAUM B. E BERG C.A. & DODD D.H. (1993). PREVIOUS LEARNING EXPERIENCE STRATEGY BELIEF, AND TASK DEFINITION IN SELF REGULATED FOREIGN LANGUAGE LEARNING CONTEMPORARY. EDUCATIONAL PSYCHOLOGY, 18,318-336S
- FLAVELL,J.H.(1979). METACOGNITION AND COGNITIVE MONITORING: A NEW AREA OF COGNITIVE DEVELOPMENT INQUIRY .AMERICAN PSY. 34,906 - 911
- KIUWE,R.H. (1982) COGNITIVE KNOWLEDGE AND EXECUTIVE CONTROL: METACOGNITION . IN D.R GRIFFIN (ED). ANIMAL MIND - HUMAN MID BERLIN : SPRINGER-VERLAG.
- PARK,S (1995). IMPLICATIONS OF LEARNING STRATGY RESEARCH FOR DESIGNING COMPUTER - ASSISTED IN STRUCTION . JOURNAL OF RESEARCH OF COMPUTING IN EDUCATION, VOL 27,NO 35,P, 22
- WEINSTEIN C.E AND MAYER. R.E (1986) THE TEACHING OF LEARNING STRATEGIES IN M. CWITT,ROCK (ED) HANDBOOK OF RESEARCH ON TEACHING . NEWYORK. MACMILAN .
- جان - ای - گلور و راجر. اج برونینگ: روان‌شناسی تربیتی، ترجمه علی‌نقی خرازی، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- گنج و برلایتر: روان‌شناسی تربیتی، ترجمه دکتر لطف‌آبادی و همکاران، مؤسسه انتشارات حکیم فردوسی مشهد ۱۳۶۴.
- موسوی‌نژاد، عبدالمحمد: بررسی رابطه یادگیری فرد نظم داده شده و باورهای انگیزشی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سوم راهنمایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

خشم

وراه‌های

مقابله با آن

به یک موقعیت دور از انتظار، همراه با یک حالت عاطفی است. این حالت عاطفی ممکن است خوشایند و یا ناخوشایند باشد، مانند محبت، خشم، ترس و...

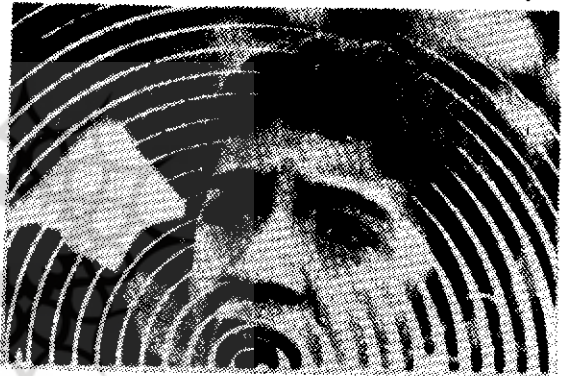
خشم حالتی از هیجان است که در آن انسان برای رها کردن خود از یک حالت فشار به تلاش‌هایی دست می‌زند و یا حرکاتی انجام می‌دهد. خشم معمولاً زمانی ظاهر می‌شود که انسان در راه ارضای انگیزه‌های خود با موانعی روبه‌رو شود و یا این که در انجام کاری با شکست مواجه گردد و منافع وی به خطر افتد.

اغلب خشم را با پرخاشگری یکی می‌دانند، در حالی که خشم با پرخاشگری فرق دارد. چرا که پرخاشگری نوعی رفتار است که برای آسیب رساندن به طرف مقابل، از فرد پرخاشگر سر می‌زند. ولی در خشم چنین حالتی ممکن است پیش نیاید. البته بعضی مواقع خشم با پرخاشگری همراه می‌شود و آن زمانی است که فرد در اثر خشم بخواهد به دیگران صدمه وارد نماید.

به طور کلی هیجان‌ها با نیازهای انسان رابطه بسیار نزدیک دارند و گاه می‌توانند سلامت انسان را تضمین نمایند، مانند هیجان ترس که موجب می‌شود فرد زمانی که احساس خطر کند، از خود دفاع نماید یا فرار کند و گاه می‌توانند عامل اصلی پدید آیی اختلالات روانی شوند. چنانچه انسان خشمگین شود ممکن است تعادل روانی خود را از دست بدهد، به همین منظور است که حضرت علی (ع) می‌فرماید: به هنگام خشم نه تصمیم، نه تشویق، نه تنبیه.

نشانه‌های خشم

هیجان خشم دارای علائم زیادی است که بروز این علائم از یک سو به میزان ایجاد حالات



توحید کمالی

" مؤمن، شوخ و گشاده‌رو و منافق، ترسو و خشن است "

پیامبر اکرم (ص)

تنها کودکان نیستند که خشمگین می‌شوند بلکه بزرگسالان نیز بدان دچارند. خشم حالتی از هیجان است. قبل از آن که تعریفی از خشم آورده شود ضروری است که هیجان تعریف شود. هیجان نوعی واکنش کلی و شدید ارگانیزم نسبت

می‌شود. از این‌رو انسان باید خشم را تجربه کند و نباید شرایط به گونه‌ای باشد که انسان اصلاً خشمگین نشود. اما آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که انسان باید دنیای روانی خود را بشناسد و ضرورت کنترل و شیوه مهار و هدایت آن را نیز بیاموزد.

در بسیاری از مواقع هیجان خشم برای انسان به منزله تولید نوعی زهر در بدن است، همانند برخی از حیوانات. به عنوان مثال مار وقتی که مورد تهدید واقع می‌شود خشمگین شده، در بدنش نوعی زهر تولید می‌شود. این زهر در کیسه مخصوصی ریخته می‌شود و این حیوان در مواقع ضروری برای دفاع از خود از آن استفاده می‌کند که اغلب کشنده است.

می‌توان گفت که در هنگام خشم در بدن انسان نیز نوعی زهر تولید می‌شود، اما در کیسه مخصوصی ریخته نمی‌شود بلکه در قسمت‌های مختلف بدن انسان پخش می‌شود و موجب سرخ شدن چهره، عدم تعادل و ناهماهنگی در عملکردهای او می‌گردد. بنابراین لازم است که راه‌های کنترل و مقابله با آن را نیز آموخت.

تا توانی دفع غم از چهره غمناک کن
در جهان گریاندن آسان است اشکی پاک کن

بهترین شیوه مقابله با خشم صبر و بردباری است. لازم است انسان صبر پیشه سازد تا از این طریق به فرد خشمگین کمک نماید تا وی تعادل روانی خود را حفظ نماید. صبر و بردباری در برابر خشم به معنای تسلیم شدن در برابر فرد خشمگین نیست بلکه به معنای تسلط داشتن بر شرایط روانی خویش است. خشم را نباید با خشم پاسخ داد زیرا این کار موجب تشدید حالت خشم در فرد می‌شود.

خشم بستگی دارد و از سوی دیگر به حالات روانی و شخصیتی فرد وابسته است. علائم خشم را به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱) علائم فیزیولوژیکی خشم مانند: لرزش اندام، بالا رفتن فشار خون، پابه زمین کوبیدن، لگد زدن، فریاد زدن، نبض تند و غیره...

۲) علائم روانی خشم مانند: ضعف در حافظه، تقلیل قوه فهم، سلب اراده، اشتباه در تصمیمات و...

چرا انسان خشمگین می‌شود؟

عوامل به وجود آورنده خشم در افراد بسیار متعدد و پیچیده‌اند اما به طور کلی می‌توان گفت زمانی که انسان در راه دستیابی به اهداف با موانعی روبه‌رو می‌شود و یا این که مورد تهدید قرار می‌گیرد، در این حالت یکی از عکس‌العمل‌های معمولی او می‌تواند خشم باشد. از دیگر عواملی که در این راه مداخله می‌کنند می‌توان به محدودیت‌های شدید، احساس ناامنی، مشکلات در یادگیری مهارت‌های جدید، تسمخر، رفتارهای غیرعادلانه، تبعیض‌ها، زورگویی، دروغ گفتن، تحمیل عقاید، تهاجم و حملات، بی‌توجهی به نیازها و در تعارض قرار گرفتن اشاره کرد.

راه‌های مقابله با خشم

با توجه به این که هیجان خشم نوعی احساس فردی است، یعنی ممکن است یک موقعیت فردی را خشمگین نماید ولی در فرد دیگر هیچ هیجانی را ایجاد نکند، نمی‌توان گفت این نوع هیجان در همه انسان‌ها به طور یکسان وجود دارد. هیجان خشم در زندگی انسان‌ها کم و بیش مشاهده

خشمگینی در تصمیمات خود اشتباه می‌کند و زبان‌هایی را نیز متحمل می‌شود. با مشاهده چنین الگوهای احتمال بروز خشم از سوی مشاهده‌گر کاهش می‌یابد.

۲- دور داشتن فرد از مشاهده برنامه‌های خشونت‌آمیز:

تا آن جا که ممکن است باید فردی را که زود خشمگین می‌شود از اموری که جنبه خشونت را در وی رشد می‌دهد و باعث ایجاد خشم در او می‌شود دور نگه داریم.

۳- دوری از عصبانیت‌ها:

نباید از انسان توقع داشت که اصلاً عصبانی نشود اما می‌توان در این حالت کنترل خود را حفظ نمود. بنابراین فرد باید تا حدودی خود را کنترل کند و بر اعصاب خود تسلط داشته باشد.

۴- بها ندادن به خشونت‌ها:

بسیاری از افراد از راه خشونت و عصبانیت می‌خواهند به خواست‌های خود دست یابند و سعی می‌کنند تا از این طریق به هدف خود برسند. بنابراین باید سعی کرد که از طریق بی‌اعتنایی و بها ندادن به خشونت‌ها و عصبانیت‌ها آن‌ها را بی‌اعتبار نمود.

با توجه به این که معمولاً خشم به خودی خود به حالت آرامش تبدیل می‌شود بنابراین نباید به فرد خشمگین التماس کرد زیرا فرد ممکن است به این کار عادت کند.

روش دیگر مقابله با خشم این است که وقتی خشم فرد به آرامش نسبی تبدیل شد به وی کمک کرد تا راه‌های عقلانی برای برخورد با مسأله را در پیش گیرد.

خشم ممکن است از طریق مشاهده صحنه‌ها و برنامه‌های خشونت‌آمیز آموخته شود. بنابراین راه دیگر این است که تلاش کرد تا فرد چنین برنامه‌هایی را کم‌تر مشاهده نماید.

از آن جا که خشم ممکن است بر اثر تکرار عادت شود بهتر است تا حد امکان از امور خشم‌آور پرهیز کرد و نگذاشت تا فرد به این حالت عادت کند.

پرهیزهای لازم

برای دور داشتن فرد از خطرهای احتمالی خشم باید پرهیزها و مراقبت‌هایی را در مورد فرد معمول داشت که اهم آن‌ها به قرار زیر است:

۱- استفاده از اصل بازداری:

برای استفاده از اصل بازداری لازم است فرد الگوهای را مشاهده کند که در آن‌ها فرد به دلیل

منابع:

- احمدی، علی‌اصغر: خانواده و فرزندان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷.
- احمدوند، محمد علی، روان‌شناسی کودکی و نوجوانی، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر: روان‌شناسی رشد ۱، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۱.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر: روان‌شناسی رشد ۲، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲.
- نوابی‌نژاد، شکوه: سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.

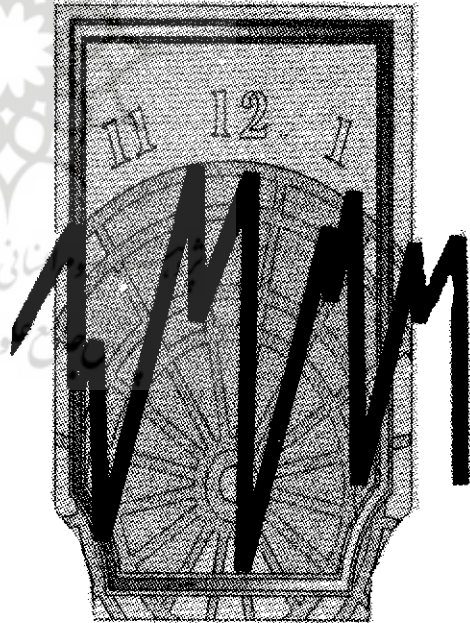
نیاز انسان به محرک‌ها و بهره‌گیری از زمان

برگرفته از کتاب: BORN TO WIN
نویسندگان: JAMES & JONGEWARD

اقتباس و ترجمه: آزاده افروز

انسانی و مطالعات فرهنگی
انوم انسانی

اگر مرا آرام و نرم نوازش کنی
اگر به من نگاه کنی و لبخند بزنی
اگر به من گوش فرادهی و گاهی قبل از تو
حرف بزنی
من بزرگ خواهم شد، واقعاً بزرگ خواهم
شد...



BRALELY (۹ سالگی)

ذهنی و بدنی تا مرحله مرگ می‌شوند.

نوزادان تازه متولد شده که محروم از تماس طبیعی با افراد دیگر بوده‌اند، کودکانی که در مراکز اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند و بچه‌هایی که بر اساس نظریه "توجه به کودک او را لوس می‌کند" بزرگ شده‌اند، ممکن است نوعی محرومیت از تماس شبیه یک سوء تغذیه جدی داشته باشند. هر دوی این‌ها رشد را دچار مشکل و وقفه می‌کنند.

در میان تحلیل‌گران ارتباطات متقابل، کسی هست که می‌گوید: "اگر به بچه تحریکات لازم داده نشود، طناب نخاعی او می‌پوسد." مثال زیر توضیح دهنده این جمله است.

وقتی که پدر سوسن وی را در یک بیمارستان بزرگ کودکان گذاشت، او تنها ۲۲ ماهه بود. او فقط ۱۵ پوند وزن داشت (وزن یک بچه ۵ ماهه) و قدش ۲۸ اینچ بود (هم قد بچه ۱۰ ماهه). او از نظر عملی مهارتی نداشت، نمی‌توانست بخزد، حرف بزند یا حتی فوت کند. وقتی که مردم به او نزدیک می‌شدند، بغض می‌کرد.

بعد از سه هفته که هیچ کس به سوسن سر نزد، یکی از کارکنان با مادرش تماس گرفت. هم پدر و هم مادر او تحصیلاتی بالاتر از میانگین تحصیلات ثرم جامعه داشتند. مادر او عقیده داشت که سوسن دوست ندارد نگهداری شود و می‌خواهد تنها بماند. او گفت که از تلاش برای برقراری رابطه با سوسن خسته شده است و دیگر نمی‌خواهد از او نگهداری کند. در معایناتی که از سوسن به عمل آمد، علتی برای عقب‌ماندگی شدید ذهنی و بدنی سوسن پیدا نشد و بیماری او "سندرم محرومیت از مادر" نام گرفت.

هر انسانی نیاز دارد که توسط دیگران شناخته شود و با ایشان تماس داشته باشد. هر انسانی نیاز دارد که در فاصله زمانی میان تولد و مرگ کاری انجام دهد. این‌ها نیازهای زیستی و روانی‌ای هستند که BERNE آن‌ها را نوعی گرسنگی می‌نامد. گرسنگی برای لمس و شناخت می‌تواند توسط تحریکات (هرگونه عملی که بیانگر شناخت حضور فرد دیگر است) ارضا شود. تحریکات می‌تواند توسط تماس فیزیکی حقیقی یا به شکل نمادین از طریق نگاه کردن، گفتن یک کلمه، حالتی خاص یا هر عملی که بگوید: "می‌دانم که تو آن جا هستی"، انجام گیرد.

گرسنگی انسان برای تحریکات، غالباً مشخص‌کننده چگونگی گذران وقت هر فرد است. شخصی ممکن است دقیقه‌ها، ساعت‌ها یا حتی تمام زندگی خود را به روش‌های مختلف شامل بازی‌های روانی، برای دریافت تحریکات صرف کند. او ممکن است دقیقه‌ها، ساعت‌ها یا حتی تمام زندگی خود را به روش‌های دیگر برای دوری از تحریکات سپری نماید.

گرسنگی تحریکات

نوزادان بدون تماس و لمس افراد دیگر به طور طبیعی رشد نخواهند کرد. این نیاز به طور معمول از طریق ارتباطات متقابل و نزدیک، که با عوض کردن پوشک بچه، غذا دادن به او، تحریک آروغ زدن او، پودر زدن، نوازش کردن و بوسیدن او انجام می‌شود، برآورده می‌گردد. لمس کردن نوزاد و تماس با او، شیمی بدن او را برای رشد ذهنی و فیزیکی تحریک می‌کند.

نوزادانی که به آن‌ها توجه نمی‌شود، فراموش می‌شوند یا به هر دلیلی تماس و لمس کافی توسط والدین را تجربه نمی‌کنند، دچار وخامت اوضاع

محل کار - قویاً احساس می‌شود. در یک موقعیت شغلی و صنعتی، کارفرمایی شکایت می‌کرد که یکی از کارکنان آزمایشگاه زمان زیادی را صرف صحبت کردن با فرد دیگری از طریق دریچه کولر آزمایشگاه می‌کند. این کارفرما بعدها برای برقراری یک مکالمه کوتاه دوستانه با این کارگر، هر چند وقت یک بار به آزمایشگاه سر می‌زد. همان‌طور که این کارفرما دریافته بود، نیازهای مختلف انسان برای شناخته شدن، در مورد هر کسی که با افراد دیگر کار می‌کند، صدق می‌کند. مدیران موفق به طور معمول آن‌هایی هستند که به طرز مناسب دیگران را می‌شناسند و با آنان ارتباط برقرار می‌کنند.

تحریکات مثبت

فقدان تحریکات کافی، به طور معمول اثر تخریب‌کننده‌ای بر مردم دارد. در شرایطی که هم تحریکات مثبت و هم تحریکات منفی ممکن است شیمی بدن یک نوزاد را تحریک کنند، تنها تحریکات مثبت هستند که موجب سلامت روانی فرد و احساس خوب بودن می‌شوند. تحریکات مثبت دارای طیف وسیعی است که از یک "سلام" تا ژرفای مواجهه با احساس قربانیت و عشق را شامل می‌شود.

برخی تحریکات بسیار سطحی هستند. این‌ها ارتباطات ساده‌ای می‌باشند که فقط برای نگهداری و حضور تحریکات وجود دارند. این گونه تحریکات معنای خاصی ندارند ولی حداقل شناخته شدن را می‌رسانند، ارتباطات را بازنگه می‌دارند و حس زنده بودن افراد را حفظ می‌کنند، مثل سلام و علیک‌های سطحی، دست دادن‌ها و... تحریکات مثبت معمولاً ارتباطاتی مکمل هم هستند که به طور مستقیم، مناسب و مرتبط با

فردی به عنوان مادر داوطلب شد که به مدت ۶ ساعت در روز و ۵ روز در هفته از سوسن با محبت مراقبت کند. کارکنان بیمارستان نیز به سوسن توجه بسیار زیادی نشان دادند و او با تماس‌ها و لمس‌های فیزیکی فراوان، در آغوش گرفته شد، غذا داده شد و با او بازی شد.

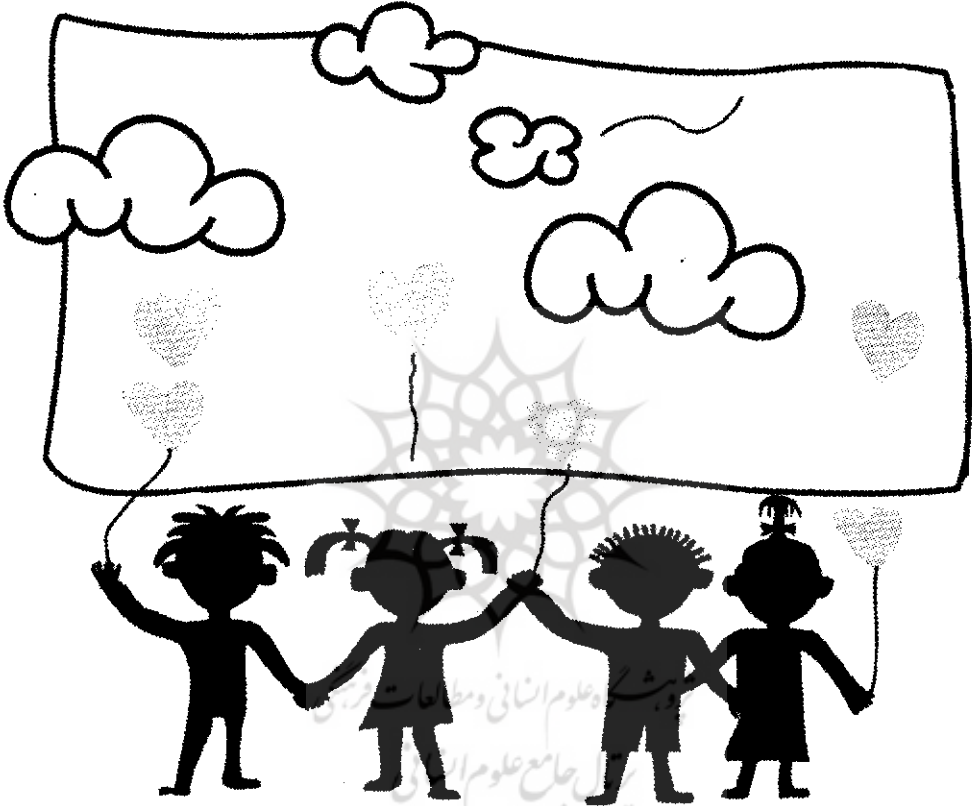
دو ماه بعد، هر چند که سوسن هنوز به طور قابل توجهی عقب‌مانده بود، ولی یک عکس‌العمل محبت‌آمیز و پرشور پیشرفته داشت. هم‌چنین وزنش ۶ پوند افزایش یافته و قدش ۱۲ اینچ بلندتر شده بود. حرکات بدنی او خیلی پیشرفت کرده بود. می‌توانست چهار دست و پا راه برود و اگر نگرش می‌داشتند قادر بود روی دو پا هم راه برود. بدون ترس با غریبه‌ها ارتباط برقرار می‌کرد و روی هم رفته مراقبت همراه با شوق و محبت، اثر قابل توجهی روی سوسن گذاشته بود.

وقتی که بچه‌ای بزرگ‌تر می‌شود، نیاز اولیه برای برقراری تماس و ارتباط فیزیکی تبدیل به گرسنگی برای شناخته شدن و توجه می‌شود. یک لبخند، تکان دادن سر، یک کلمه، یک اخم و یا یک ژست در نهایت جایگزین برخی تحریکات لمسی می‌شوند. این شکل از شناخت دیگری و توجه مثبت یا منفی به وی، درست مثل عمل لمس کردن موجب تحریک مغز فرد دریافت‌کننده می‌شود و سبب می‌گردد که او این حقیقت را مسجل بداند که او آن جاست و زنده است. تحریکات، سیستم عصبی را نیز از زوال باز می‌دارد.

برخی افراد برای احساس امنیت نیاز به مقدار زیادی توجه و شناخته شدن دارند. این نوع گرسنگی در همه جا - خانه، کلاس درس یا حتی

"خوشحالم که پسری مثل تو دارم."
 "تو با تمام کردن آن گزارش، واقعاً روز مرا از
 خراب شدن نجات دادی."
 "کار کردن با تو در یک اداره، یک خوشحالی
 بزرگ برای من است."
 گاهی تحریکات مثبت نوعی تحسین هستند:

موقعیت صورت می‌گیرند. وقتی که تحریکات
 مثبت باشند، فرد احساس خوب بودن، زنده بودن،
 هشیار بودن و مهم بودن می‌کند. اگر تحریکات
 ژرفای بیش‌تری داشته باشد، فرد ذکاوت خود را
 به حیطة عمل وارد می‌کند و این امر غالباً خوشایند
 است.



"تصویر تو برای روی جلد مجله بسیار مناسب به
 نظر می‌رسد."
 "داشتن یک دختر خوب شانس بزرگ است."
 "گل‌هایی که چیده‌ای واقعاً به محیط اداره زیبایی
 بخشیده است."
 "تو مثل یک قهرمان شنا می‌کنی"
 "لباس ورزشی تازه‌ای که خریده‌ای ظاهر خیلی
 خوبی دارد."

زمانی که مادری ناگهان به طرف فرزندش
 می‌آید و می‌گوید: "پسرم، دوستت دارم!" یا
 کارفرمایی پاسخی روشن و مستقیم به سؤالی
 مبهم و ناساخته می‌دهد و یا مغازه‌داری به مشتری
 می‌گوید: "صبح بخیر"، همه این‌ها تحریکات
 مناسب و مثبت هستند.
 تحریکات مثبت غالباً بیان عشق یا احساسات
 ناشی از قدردانی است:

سن چهل سالگی خواست استخدام شود و از او پرسیده شد که چه کاری می‌تواند انجام دهد، نواز قبلی دوباره روشن شد: "تو می‌توانی دختر ناز و شیرینی باشی!"

این امر در مورد تحریکاتی که توسط افراد بزرگ‌تر در مورد جوان‌ترها صورت می‌گیرد صدق می‌کند. به عنوان مثال منشی تازه کاری که با مهارت، ملاقات کننده ناخواسته را رد می‌کند، ممکن است با جمله: "تو یک فرشته هستی"، به جای جمله: "من از نوع برخوردار تو با آن فرد قدردانی می‌کنم"، تحسین شود. اگرچه خیلی از منشی‌ها از شنیدن گاه و بیگاه کلمه فرشته لذت می‌برند، این لقب اطلاعات زیادی درباره توانایی‌ها و مهارت‌های آنان به ایشان نمی‌دهد، به‌خصوص اگر تازه کار باشند.

"روشی که انتخاب کرده‌ای، واضح، دقیق و همان است که ما می‌خواهیم."

گاهی تحریکات مثبت به شخص اطلاعاتی در مورد مهارت‌ها و دانایی‌های خودش می‌دهد. این تحریکات کمک می‌کنند که فرد از منابع شخصی مهارت‌هایش آگاه شود. مثلاً وقتی که پدری از پسرش بخواهد علف‌های باغچه حیاط را بکند و چمن‌ها را کوتاه کند و بعد بگوید: "تو چمن‌ها را خوب زده‌ای و من از کارت خوشم می‌آید"، اجازه می‌دهد که پسرش در مورد خود مثبت فکر کند و توانایی‌های خاص خودش را بشناسد.

یک دانشجوی زن می‌گفت که همیشه هر کاری می‌کرد والدینش با گفتن جمله: "تو دختر ناز و شیرینی هستی"، او را تحسین می‌کردند. این تحریک ناخوشایند نبود ولی وقتی همین دختر در



نظریات فرد دیگر را فهمیده‌ایم.

وقتی که نوجوانی به خانه می‌آید، کتاب‌هایش را روی میز پرت می‌کند و غر می‌زند: "مدرسه غیرقابل تحمل است"، مادری که گوش می‌دهد چیزی مثل این می‌گوید: "امروز مدرسه غیرقابل تحمل به نظر رسید و تو کمی با اضطراب و هیجان در مورد آن قضاوت می‌کنی، این طور نیست؟" زمانی که یک منشی ناگهان تعداد زیادی از کلمات را غلط تایپ می‌کند، با صدای بلند و عصبانیت با ملاقات‌کننده‌ها صحبت می‌کند. رئیسی که واقعاً گوش می‌کند چیزی مثل این می‌گوید: "از چیزی که الآن گفتی به نظر می‌رسد که ناراحتی، نیستی؟"

همه افراد به تحریک نیاز دارند و اگر نوع مثبت را دریافت نکنند به نوع منفی روی می‌آورند. بچه‌ای می‌تواند بزه کار شود و والدین را وادار کند که به او سیلی بزنند و او را دعوا کنند. همین امر در محل کار نیز صادق است. گاهی کارکنان اشتباهات زیادی می‌کنند یا به خودشان صدمه می‌زنند. مطالعات نشان می‌دهد که اگر یک محیط شغلی خالی از احساسات باشد، تولیدات کم می‌شود و تعارضات و نابهنجاری‌ها افزایش می‌یابد. ظاهر امر نشان می‌دهد که هم برای بچه‌ها و هم برای بالغین، توجه منفی بهتر از اصلاً توجه نکردن است!!

به حساب نیاوردن و تحریکات منفی

وقتی که پدر یا مادری نیازها و احساسات نوزاد خود را به حساب نیاورد، رشد سالم مختل می‌شود. به حساب نیاوردن یعنی فقدان توجه یا توجه منفی که از نظر فیزیکی و روحی آسیب رساننده است. وقتی شخصی مورد توجه قرار نگیرد، اذیت شود، کتک بخورد، به او بخندند،

یک کودک وقتی تحریکات مثبت دریافت می‌کند که پدر، مادر، معلم و یا یک دوست به گرمی به او سلام کند یا نام کامل او را بر زبان آورد، با توجه به چهره او نگاه کند و مهم‌تر از همه این که بدون سرزنش احساسات وی دقیقاً به سخنان او گوش دهد. همه این‌ها شأن او را حفظ می‌کند.

گوش دادن از بهترین تحریکاتی است که یک فرد می‌تواند در مورد فرد دیگر انجام دهد. مؤثرترین روش گوش دادن شامل تمرکز کامل بر روی گوینده و توجه به اوست - روشی که می‌توان فراگرفت. بسیاری از مردم ناآگاه یا بی‌علاقه هرگز این مهارت را به دست نمی‌آورند، در نتیجه:

بچه‌ها شکایت می‌کنند: "والدین ما هرگز به ما گوش نمی‌دهند."

والدین شکایت می‌کنند: "کودکانمان هرگز به حرف‌های ما گوش نمی‌دهند."

زن و شوهر شکایت می‌کنند: "او هرگز حرف‌های مرا نمی‌شنود."

کارفرماها شکایت می‌کنند: "یک بار به او گفتم، صد بار به او گفتم، و هنوز گوش نمی‌دهد."

کارگران شکایت می‌کنند: "آن‌هایی که در آن بالا نشسته‌اند به حرف‌های ما گوش نمی‌کنند."

وقتی که افراد دیگر به سخنان فردی گوش می‌دهند، او می‌داند که احساساتش، عقایدش و نظریاتش واقعاً شنیده شده است. او "خاموش نشده است"، بلکه یک تحریک مثبت و فعال دریافت کرده است. گوش کردن فعال که گاهی گوش دادن انعکاسی نام دارد شامل پس دادن شفاهی برخی مطالب گفته شده یا عمل انجام شده به همراه حدس زدن نوع احساس پنهان در کلمات یا عمل فرد مقابل است. گوش دادن حقیقی لزوماً به معنای موافقت با فرد مقابل نیست، بلکه تنها به این معناست که احساسات و

هستند که نق زدن یک بچه کسل را نشنیده باشند: "مامان، الآن چه کار کنم؟" کدام زوج هستند که تا به حال به هم نگفته‌اند: "تعطیلات آخر هفته چه کار کنیم؟" کدام کارمند است که از دیگری نشنیده که بگوید: "من از این شغل بدم می‌آید، کار زیادی نیست که انجام دهم."

مردم وقت خود را به شش روش مختلف پر می‌کنند. گاهی انزوا می‌جویند، گاهی با مکالمات سطحی وقت می‌گذرانند، گاهی بازی‌های روانی می‌کنند، گاهی با هم کار می‌کنند و خیلی به ندرت دقایقی از ارتباطات نزدیک و واقعاً دوستانه را تجربه می‌کنند.

انزوا

یک فرد به دو روش می‌تواند منزوی شود: انزوای فیزیکی و روانی. گاهی انزوا یک تصمیم بالغانه و عاقلانه است. هر کسی نیاز دارد که زمانی تنها باشد، استراحت کند، به افکار خودش گوش کند، مراقب خودش باشد و تجدید قوا کند. حتی انزوا و کشیده شدن به سمت رؤیاهای گاهی از گوش دادن به یک سخنرانی بد، روش بهتری برای گذراندن وقت است.

گاهی انزوا بر اساس تقلید از والدین صورت می‌گیرد. به عنوان مثال مردی که با همسرش دچار مشکل شود، کاری را می‌کند که پدر موقع عصبانیت مادرش می‌کرد. ممکن است خانه را ترک کند، به مطالعه پناه ببرد یا به مغازه برود و یا به جای ترک فیزیکی، بخواهد یا خیلی ساده خودش را به گونه‌ای نشان دهد که گویا حرف‌های همسرش را نمی‌شنود.

گاهی انزوا حرکتی بچگانه است، یعنی تکرار دوران بچگی برای دوری جستن از درد یا رنج. گاهی هم نتیجه تربیت است. بچه‌ای که این گونه تربیت می‌شود: "برو به اتاق در را ببند و تا زمانی

برایش اسم بگذارند یا محرومش کنند، طوری تربیت می‌شود که گویا اصلاً ارزش و شخصیتی ندارد. اگر زنی از شوهرش بپرسد: "کی برای شام بر می‌گردی؟" او جواب دهد: "هر وقت که بخواهم بر می‌گردم"، در واقع شخصیت همسر خود را به حساب نیاورده است و احتمالاً آن زن احساس رنجش عمیقی می‌کند.

اگر به حساب نیایم، تجربه دردناکی را تحمل می‌کنیم. این امر در رابطه میان بچه‌ها و والدین منجر به آسیب‌رسانی شخصیتی می‌شود و یک فرد شکست خورده می‌سازد. به حساب نیامدن در روابط بزرگ‌ترها منجر به ایجاد احساسات ناخوشایند و یا ارتباطات مخرب و بی‌هدف می‌شود.

پسر کوچکی بود که والدین وی به ندرت به طور مستقیم به او محبت می‌کردند. یک روز او - ناامید از برقراری ارتباطی مستقیم با والدین خود - با چوب بیس‌بال خود یک سوراخ بزرگ در دیوار اتاقش ایجاد کرد و منتظر واکنش پدر و مادرش شد، اما هیچ واکنشی ندید. والدین او عملش را نادیده انگاشتند. روز بعد او شنید که مادرش می‌گوید: "احتمالاً این پسر افتاده و از پشت محکم به دیوار خورده و دیوار سوراخ شده." این گونه جملات حاکی از نادیده گرفتن پسر که همیشه تکرار می‌شد سرانجام منجر به روانی شدن او گشت!

گرسنه پر کردن وقت

برای مدت طولانی احساس خستگی و کسالت کردن دقیقاً همان اثر تخریبی تحریکات ناکافی را دارد. مردم برای دوری جستن از احساس خستگی و بطالت می‌خواهند با زمانی که در اختیار دارند کاری انجام دهند. کدام والدین

مکالمات و ارتباطات سطحی روزمره

ارتباطات روزمره مسانند سلام و خداحافظی‌های هر روز، مکمل یکدیگر هستند. اگر کسی بگوید: "صبح بخیر، چطوری؟" در واقع نمی‌خواهد از سلامت یا احساسات طرف مقابل آگاه شود، بلکه فقط انتظار دارد پاسخی سطحی و مشابه دریافت کند: "خوبم، تو چطوری؟" در این مواجهه کوتاه هر دو طرف فقط حضور تحریکات را حفظ کرده‌اند.

بسیاری از مکالمات سطحی از این دست برای روغن‌کاری چرخ‌های ارتباطات اجتماعی لازم‌اند. این نوع مکالمات به غریبه‌ها شانس داخل شدن و با هم بودن می‌دهد. این‌ها برای تصمیم گرفتن در مورد این که چه کسی اول برود یا چه کسی اول غذا را سرو کند و غیره در زمان صرفه‌جویی می‌کنند. این نوع مکالمات و ارتباطات سطحی در برخی فرهنگ‌ها، مذاهب و کلوب‌های اجتماعی، به طرز مبالغه‌آمیزی وجود دارند. گروه‌های دیگر از وقت خود به نحو دیگری استفاده می‌کنند. برای بسیاری از مردم مکالمات و ارتباطات روزمره و سطحی بخشی از زندگی شده است. پس از پایان مراسم ازدواج، زوج مورد نظر ممکن است تنها یک سلسله ارتباطات سطحی را که عمدتاً شامل نقش بازی کردن و خالی از هر گونه معنا و قرابت واقعی است، دنبال کنند ولی در هر حال این روزمرگی نیز افراد را با حداقل تحریک زنده نگه می‌دارد.

وقت گذراندن

ارتباطات مربوط به وقت گذراندن، ارتباطاتی است که توسط آن‌ها مردم با صحبت کردن در مورد موضوعات بی‌دردسر مثل وضع هوا، با همدیگر وقت‌کشی می‌کنند. چه کسی تا به حال

که لبخند روی لبانت نیست بیرون نیا"، یاد می‌گیرد که همیشه فیزیکی یا روانی در پشت یک لبخند اجباری منزوی شود.

وقتی که فردی به انزوای روانی روی آورد، غالباً به دنیای فانتزی رؤیاهای پناه می‌برد. رؤیاهای او احتمالاً نوعی لذت نامحدود، نوعی خشونت، تصور یا تجسمی خلاقانه، ترس‌های آموخته شده و یا پیش‌بینی یک فاجعه است. هر کسی که گاه به رؤیاهای و افکار فانتزی خود پناه می‌برد. چه کسی است که تا به حال به حرف‌های عالی و بزرگی که می‌توانست بگوید فکر نکرده؟ کیست که تا به حال در آن لذت خارق‌العاده غرق نشده باشد؟



بازی‌های دیگر مثل "بازی فرد مقروض" می‌تواند تمام اوقات زندگی فرد را فرا گیرد. مثلاً وقتی که یک زوج جوان بازی "مقروضان" را انجام می‌دهند، برای خرید اثاثیه، وسایل، اتوموبیل و ... زیر بار سنگین قرض می‌روند و هر چه حقوقشان افزایش می‌یابد قرض ایشان نیز زیاد می‌شود. خانه بزرگ‌تر، دو اتوموبیل و غیره - برای تمام مدت زندگی‌شان زیر بار قرض هستند و فرقی نمی‌کند که چقدر درآمد دارند. وقتی که افراد مقروض بازی را دشوارتر کنند، ممکن است در نهایت به سرقت بانک رو آورند، یا به زندان بروند و ...

فعالیت‌ها

فعالیت‌ها نیز راه‌هایی برای پر کردن زمان است که با واقعیات خارجی سروکار دارد و عموماً از فعالیت‌ها به عنوان کار نام برده می‌شود. فعالیت‌ها معمولاً آن چیزی است که مردم می‌خواهند انجام دهند، نیاز به انجام آن دارند یا مجبورند آن را انجام دهند، مانند: جمع کردن تمبر، شیردوشیدن از گاو، لباس پوشیدن، برنامه‌دادن به یک موشک، هرس کردن باغ، ساختن لانه یک پرنده، نقشه‌کشی ساختمان، انجام تکالیف شبانه، ترتیب دادن به صورت حساب‌ها و امور بانکی، جواب دادن به یک نامه، درست کردن شام، خالی کردن بار یک کشتی، دوختن لباس، ساختن پل و ... وقتی که فعالیت ذکر شده پایان یابد، شخص احساس خالی بودن محیط، بی‌قراری و پوچی می‌کند. وقتی تعدادی فعالیت‌های خاص وقت پرکن مثل مراقبت از بچه‌ها، مدرسه رفتن یا سرکار رفتن ناگهان پایان گیرد، این مشکل به طور خیلی مشخص ما را متوجه خود می‌کند. بسیاری از مادران که تمام وقت خود را صرف مراقبت از

دو پیرمرد را روی نیمکت پارک ندیده که با شور و هیجان درباره سیاست بحث می‌کنند؟ "دولت موظف است که به این نابسامانی پایان دهد..." چه کسی تا به حال نشینده که دو تن از والدین در حال تبادل نظر در باره موضوعات مشترک باشند؟ "بچه‌ها امروز به جور می‌آیند..." در هر دو مورد افراد به تبادل نظر درباره موضوعات مختلف می‌پردازند و با نادیده گرفتن واقعیات پیرامون خود از هر لحظه زمان لذت می‌برند.

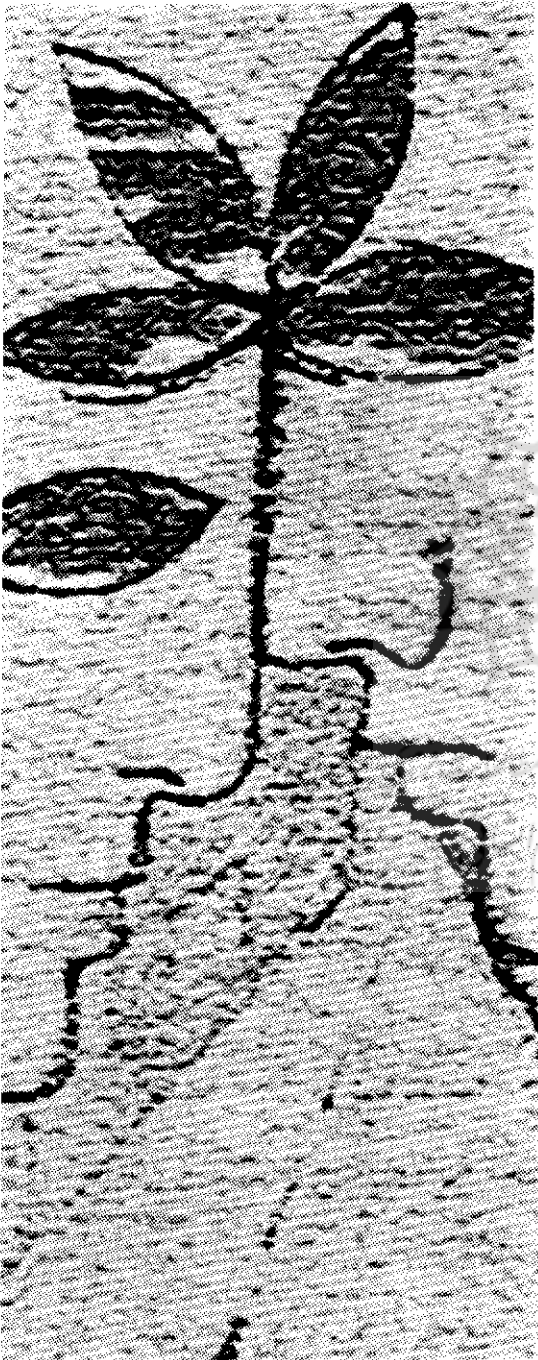
وقت گذراندن به نسبت بی‌خطر است. این مبادلات سطحی معمولاً میان افرادی صورت می‌گیرد که یکدیگر را به خوبی نمی‌شناسند. به عنوان مثال در سرمیز شام نیز شایع است که مردان با صحبت کردن در مورد شغل‌ها، اتوموبیل‌ها، ورزش‌ها، فروشگاه‌ها و ... و زنان با گفت‌وگو درباره دستورالعمل غذاها، بچه‌ها یا تزیینات منزل وقت‌گذرانی می‌کنند.

وقت‌گذرانی هم مثل مکالمات سطحی روزمره روشی است برای گذراندن زمان به طرز مؤدبانه و دوری جستن از ژرف‌نگری در مورد مسائل. وقت گذراندن به مردم این فرصت را می‌دهد که یکدیگر را برای درگیر شدن در فعالیت‌ها، بازی‌ها یا دوستی نزدیک‌تر آماده کنند.

بازی‌های روانی

از مزایای بازی‌های روانی، پر کردن اوقات است. برخی بازی‌ها تنها پنج دقیقه از زمان را پر می‌کنند، مثلاً وقتی که منشی با رئیس خود در مورد نقاط ضعف وی بازی می‌کند، چند دقیقه وقت صرف می‌کند و به او می‌گوید که همیشه فراموش می‌کنند نقطه ب را بگذارند و یا این که غلط دیکته‌ای دارند.

مهربانی، هم دردی و لطف را برانگیخته می‌کند. این نوع لطف تنها یک احساس گرم ناشی از یک نگاه کوتاه به ظاهر زیبای فرد دیگر نیست. ارتباط نزدیک و عاطفی هرگونه مراقبت همراه با لطف و



بچه‌ها و خانه می‌کنند، با بزرگ شدن بچه‌ها و ترک خانه توسط آن‌ها، دچار احساس کسالت و خستگی می‌شوند. به همین ترتیب پدری که در تمام زندگی خود را به عنوان نان‌آور قبول داشته، همان نوع احساس خستگی و کسالت را پس از بازنشستگی دارد.

در طی انجام فعالیت‌ها، روش‌های مختلفی برای پر کردن اوقات فراغت ممکن است متولد شود. مکالمات سطحی و روزمره، بازی‌ها و حتی ارتباطات نزدیک دوستانه ممکن است پدیدار گردند. مثلاً "یک مدیر با بازی کردن نقش مجری عجول و گفتن عجولانه بلی به بسیاری از تقاضاها خود را نابود می‌کند. در همان زمان به منشی‌ها و زیر دستان خود نیز فشار کاری زیاد و استرس وارد می‌کند. وقتی که این آقای عجول اتاق را ترک کند، منشی‌ها تایپ و کارهای دیگر را رها کرده، وارد یک وقت‌گذرانی شایع می‌شوند: "این مرد خیلی وحشتناک است:" "این مرد به همه جواب مثبت می‌دهد و در نتیجه برای ما کارهای زیادی جمع می‌کند. این وحشتناک نیست؟" وقتی که رئیس وارد اتاق می‌شود، آن‌ها ممکن است دوباره مشغول کار شوند، چای بنوشند یا در رؤیای خود غوطه‌ور گردند و یا یک بازی را شروع کنند.

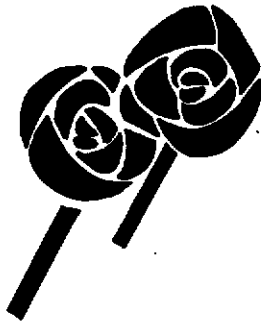
ارتباط نزدیک دوستانه و عاطفی (ارتباط حقیقی)

نوعی ارتباط انسانی که سطحی عمیق‌تر از مکالمات روزمره، وقت‌گذرانی، بازی‌های روانی و فعالیت‌ها دارد، همان توان بالقوه هر فرد برای نزدیکی واقعی و عاطفی یا دوستی حقیقی با دیگران است. ارتباط نزدیک دوستانه عاری از هر گونه بازی و خودخواهی است. این امر در آن دقایق نادر ارتباطات انسانی روی می‌دهد که حس

افرادی که احساس می‌کنند دوروبرشان خیلی شلوغ و پرجمعیت است غالباً به دنبال یک فضای "روانی" می‌گردند. ممکن است آن‌ها منزوی شوند یا به طرف زندگی سطحی روزمره کشیده شوند و بگویند: "همیشه فاصله‌ات را از دیگری حفظ کن." این گونه افراد حتی وقتی که در یک آسانسور شلوغ با هم جمع شوند یا وارد یک اتوبوس شلوغ شوند، از هم دورند و تظاهر می‌کنند که همدیگر را می‌بینند.

فکر برقراری ارتباط نزدیک غالباً ترسناک است، چرا که فرد باید خطر کند. در یک رابطه نزدیک، افراد آسیب‌پذیر می‌شوند و خیلی اوقات وقت‌گذرانی سطحی یا بازی کردن آسان‌تر از ریسک کردن برای لطف دیدن یا تحقیر شدن است.

اگر ظرفیت لازم برای برقراری ارتباط نزدیک عاطفی و دوستانه به طرز غیرضروری مهار شده است، می‌تواند دوباره احیا شود. یک فرد با فعال و قوی کردن وجه بالغ و فکور شخصیت خود می‌تواند بر خلاف تجارب زندگی گذشته‌اش، خود را کاملاً تغییر دهد. احیای ظرفیت برقراری دوستی نزدیک از مشخصات افراد مطمئن، مختار و قوی است. آن‌هایی برنده‌اند که به روش هوشمندانه‌ای برای برقراری ارتباطات نزدیک و دوستانه خطر می‌کنند.



عشق و یا اهمیت دادن واقعی به یک مسأله را شامل می‌شود.

مردم می‌توانند سال‌ها با هم زندگی یا کار کنند ولی هرگز همدیگر را واقعاً "بینند" یا "نشنوند." گاهی لحظه‌ای می‌رسد که کسی فرد دیگر را برای اولین بار می‌بیند - ابزار احساسات، حالات و حرکات مختلف، تفاوت‌ها، چگونگی بیان بی‌واژه حضور او را و... یا ممکن است برای بار نخست دیگری را بشنوند - تمام پیام‌های شفاهی و غیرشفاهی، هیجانی، روحی و واقعی او را...

حس نزدیکی و لطف ممکن است به طور ناگهانی در میان یک جمعیت پدیدار شود و یا در روابط قدیمی دوستانه یا در محل کار و یا در روابط میان زوج‌های مختلف روی دهد. موارد زیر در احساس نزدیکی و دوستی واقعی وجود دارد:

● زن و شوهری که در حال هرس کردن باغ هستند، ناگهان احساس لطف و نزدیکی به هم می‌کنند.

● دو فرد چندین هفته با هم کار می‌کنند و یک طرح مهم را برای شرکت آماده می‌کنند. یکی از آن‌ها این طرح را تحویل مدیر می‌دهد و آن طرح رد می‌شود. وقتی که باز می‌گردد، همکارش به چهره‌ی وی نگاه می‌کند و بدون ردوبدل شدن کلمه‌ای، نوعی احساس فهمیدن به خاطر ناامیدی دو جانبه‌ی ایشان بین آن‌ها مبادله می‌شود.

هرگونه فعالیتی مثل بیل زدن در باغ یا کار کردن روی یک طرح، زمینه‌ای فراهم می‌کند که احساس نزدیکی و دوستی می‌تواند بر اساس آن ایجاد شود. متأسفانه در زندگی مدرن امروز احساس دوستی واقعی به ندرت رخ می‌دهد.

آشنایی با کتاب

نام کتاب: چگونه فرزندانم را به مطالعه علاقه‌مند کنم؟

نویسنده: پروفسور دکتر مانفرد وسپل

مترجم: لی لافظی

ناشر: انجمن اولیا و مربیان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۷۹

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

"مطالعه، پنجره‌ای است به باغ سبز اندیشه‌ها، تجربه‌ها، آموخته‌ها و اندوخته‌های عظیم بشری. آنان که انس و الفت با کتاب و مطالعه، برنامه زندگی آن‌هاست، روحی شاداب و شکفته و زیستی بارور و موفق خواهند داشت؛ چرا که قوانین بیش‌تر، محصول دانستن بیش‌تر و بهتر است.

یکی از موضوعات و پرسش‌های جدی در زمینه مطالعه، دست‌یابی به روش‌های مناسب علاقه‌مند سازی کودکان به مطالعه است. پدران و مادران از خود و دیگران می‌پرسند که چه کنیم تا فرزندان ما بهتر بخوانند؟ چه کنیم تا مطالعات - درسی و غیردرسی - در ذهن باقی بمانند؟ شب امتحان چه باید کرد، چه درسی را در چه زمانی باید خواند؟ برنامه‌ریزی موفق در مطالعه چگونه باید باشد و ده‌ها پرسش از این دست که پاسخ به آن‌ها راهنما و راه‌گشای خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌تواند باشد.

این کتاب کوششی است برای پاسخ‌گویی به سؤالات فوق. امید است همه ما در باروری و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های فرزندان این نسل سهم بزرگ و سترگ خویش را به خوبی ایفا کنیم و با علاقه‌مند ساختن کودکان و نوجوانان به مطالعه، شادابی، پویایی اندیشه، تعادل معنوی و سلامت روانی و رفتاری آنان را تضمین کنیم."

نام کتاب: راهنمای عملی سنجش هوش

نویسنده: دکتر آلفرد و. مانزرت

مترجم: علیرضا یزدان‌پناه

ناشر: انجمن اولیا و مربیان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۷۹

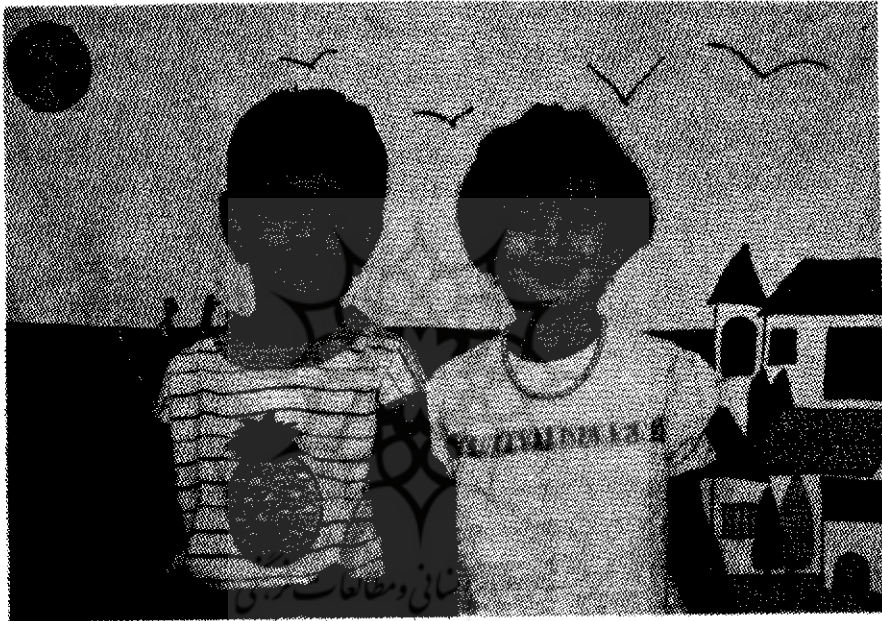
قیمت: ۶۵۰۰ ریال

"با ورود به سال ۲۰۰۰ میلادی، سنجش هوش در جهان یکصد ساله شده است. آلفردینه در حدود سال ۱۹۰۰، به سفارش وزارت فرهنگ وقت فرانسه، اقدام به ساختن ابزاری برای سنجش هوش کودکان کرد. از آن زمان تاکنون، تلاش‌های گوناگونی در این زمینه به انجام رسیده است. این کتاب نشانگر بخشی از این تلاش گسترده در تاریخ علم بشری است.

این کتاب به منظور آشنایی خوانندگان با مفهوم هوش و روش سنجش آن تألیف شده است. به همین دلیل ابتدا آزمونی را مطرح می‌کند و از خواننده می‌خواهد که به این آزمون پاسخ دهد و سپس مطالب خود را در قالب همین کار عملی توضیح می‌دهد. به این ترتیب این کتاب تنها درصدد شناساندن مفهوم هوش و روش اندازه‌گیری آن است، نه درصدد ارائه یک آزمون معتبر در جهت تعیین بهره هوشی.

امید که این کتاب بتواند اولیا و مربیان محترم را در شناخت هوش و کارکردهای آن یاری دهد."

دختران و پسران و تفاوت‌های واقعی



هنگام تولد هر کودک، همگان مشتاقند بدانند که نوزاد دختر است یا پسر، دوست داشتنی است یا خیر؟ ما به طور غریزی احساس می‌کنیم که به کمک این اطلاعات می‌توان شخصیت آینده کودک را ترسیم نمود.

کتی فورمن^۱ که مادر دو دختر و یک پسر است، مدعی است که پسرش جان^۲، همیشه پر جنب و جوش‌تر از دو دخترش بوده است، تا بدان حد که حتی در چهار ماهگی، هنگامی که

برگرفته از مجله اولیا (PARENTS)

نوشته جنی بنجامین، دسامبر ۱۹۹۸

مترجم: زهرا ملکی

از اما سر می‌زد، نمی‌توانستم تا این حد صبور باشم.

در این جا نگاهی به برخی از تفاوت‌های اساسی بین دو جنس می‌اندازیم. با این حال به خاطر داشته باشید که این موارد، اصولی کلی نیستند. روان‌شناس دوروتی اینون^۴ می‌گوید: "هر کودک منحصر به فرد است و هیچ موجودی به صورت یک مرد یا زن کاملاً شاخص وجود ندارد و تفاوت‌های موجود بین خانواده‌ها بسیار گسترده‌تر از تفاوت بین دو جنس است."

پسران آسیب‌پذیر

دوروتی اینون می‌گوید: "عدهٔ پسرانی که متولد می‌شوند بیش از دختران است." اما به نظر می‌رسد که پسران از نظر جسمی آسیب‌پذیرتر از دختران هستند و هنگامی که به دوران بزرگسالی می‌رسند، میزان بالای مرگ و میر در میان مردان وضعیت را بر عکس می‌کند. دوروتی اینون می‌گوید: "برای مثال هر بیماری‌ای را که در نظر بگیرید در خواهید یافت که میزان مرگ و میر مردان به واسطهٔ آن بیماری بسیار بیش‌تر از زنان است." به نظر می‌رسد که هورمون‌های جنسی، مردان را نسبت به فشارهای فیزیکی حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌کند. این مطلب ممکن است نگران‌کننده باشد، اما به خاطر داشته باشید که این موارد، اختلافات آماری جزئی هستند و دلیلی ندارد که پسران را در پر قونگه دارید.

وزن و قد

به طور میانگین پسران به هنگام تولد، سنگین‌تر و بلندقدتر از دختران هستند (اگرچه معمولاً نوزادان دختر چاق‌تر هستند). دوروتی اینون می‌گوید: "مفهوم این مسأله این است که

پوشک جان را عوض می‌کرد، او پاهایش را به کف حمام می‌کوبید و سر و صدایش در تمام خانه به گوش می‌رسید.

اما آیا این صفات جنسی فطری هستند یا اکتسابی؟ پاسخ اکثر کارشناسان این است که تقریباً هر دو مورد در این امر دخیل هستند. برای مثال تحقیقات نشان می‌دهد که ساختار مغز منشاء بسیاری از تفاوت‌های مرتبط با رشد است. عموماً پسران در اموری که تحت کنترل سمت راست مغز است، بهتر ظاهر می‌شوند، یعنی آن‌ها در فعالیت‌های فیزیکی بهتر عمل می‌کنند، در حالی که رشد زود هنگام سمت چپ مغز در دختران به این مفهوم است که آن‌ها اغلب در مهارت‌های حرکتی نظیر دست خط و گفتار بهتر جلوه می‌کنند. با این حال به نظر می‌رسد که والدین و جامعه در مواجهه با چنین تفاوت‌های طبیعی مبالغه می‌کنند، یعنی رفتارهایی را که خوب جا نمی‌افتد، نیکو نمی‌دانند و تأیید نمی‌کنند. در یک تجربهٔ آزمایشی از بزرگسالان خواسته شد از کودکانی که جنسشان برای آنان تعیین نشده بود، مراقبت کنند. لباس‌هایی به رنگ صورتی یا آبی به تن کودکان پوشانده شده بود. رنگ، لزوماً با جنس واقعی کودک تطابق نداشت. با این حال باز هم مشاهده شد که با هر کودک، بسته به رنگ لباسی که بر تن داشت، به روش‌های مختلف رفتار و یا صحبت می‌شد.

جانث گیبون،^۵ که مادر دو کودک است، به این مسأله در مورد کودکش پی برده است. او می‌گوید: "یان^۶ پسر شش ساله‌اش همیشه پرجنب و جوش‌تر از اما^۷، دختر هشت ساله‌اش است." وی در ادامه اضافه می‌کند: "فکر می‌کنم ما به قبول این مطلب عادت کرده‌ایم که شیطنت همیشه از جانب پسران است و شاید اگر این رفتار

می‌گیرند.

پسر بچه‌های شلوغ و پرجنب و جوش
اغلب پسران دارای مهارت‌های حرکتی بهتری نسبت به دختران هستند و تمایل به حرکات جسمانی و بازی‌هایی دارند که مستلزم صرف نیرو است. دوروتی اینون می‌گوید: "اکثر والدین بر این عقیده‌اند که پسران شلوغ‌تر و پرجنب‌وجوش‌تر از دختران هستند. اما با این حال، این تمایل به شیطنت، با مقید ساختن موضوع به شرط و شروطی (از نظر تشویق و تنبیه)، تشدید می‌گردد. تحقیقات متعدد نشان داده است که کنترل پسران حتی در کودکی بسیار سخت‌تر صورت می‌گیرد." در ضمن، دختران اغلب در مهارت‌ها و حرکات ظریف بهتر عمل می‌کنند و به همین دلیل است که آن‌ها بستن دکمه‌ها و یا استفاده از مداد رنگی را زودتر از پسران فرا می‌گیرند.

آگاهی مکانی

لطیفه قدیمی مبنی بر این که زنان در پارک کردن ماشین ناتوان هستند، تا حدودی درست به نظر می‌رسد. بر طبق نظر روان‌شناسان، مطالعات نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان آگاهی بیش‌تری نسبت به مکان دارند. حتی در دو سالگی، پسران بسیار راحت‌تر از دختران می‌توانند ماشین‌های اسباب‌بازی را رانند و یا به کمک قطعات برج بسازند.

دختران مستقل

به گفته دوروتی اینون، "دختران در حدود دو سالگی، حس استقلال بیش‌تری نسبت به پسران دارند." چنین میزان بالایی از استقلال در دختران بدین معناست که دختران معمولاً زودتر از پسران

پسران در برخاستن کمی کند هستند، به دلیل این که برای بلند شدن وزن زیادی دارند، اما در مورد راه رفتن، پسران کمی سریع‌تر شروع به راه رفتن می‌کنند، زیرا پاهایشان قوی‌تر است. با این حال، پس از این مرحله، همه چیز یکنواخت و مساوی می‌شود و علائم مربوط به رشد در سال اول زندگی برای دختران و پسران تقریباً به طور هم زمان بروز می‌کنند."

رفتار اجتماعی

به نظر می‌رسد که نوزادان دختر اجتماعی‌تر از پسران هستند و در تکلم و گفتار، نسبت به پسران ماهرترند. در نخستین هفته‌های زندگی، دختران تقریباً دو برابر پسران لبخند می‌زنند و در خلال ماه‌های دوم و سوم، در مقایسه با پسران، بیش‌تر سر و صدا تولید می‌کنند. این تفاوت نیز همانند هر عامل ذاتی دیگر می‌تواند به رفتار خود شما نسبت به کودک مربوط باشد. اگرچه روان‌شناسان معتقدند که مادران در چهل و هشت ساعت نخست تولد نوزادشان، به لبخند زدن و صحبت کردن با دختران و درآغوش گرفتن و بازی شیطنت‌آمیز با پسران تمایل دارند.

تأثیرات افسردگی

تحقیقات جدید در ایالات متحده نشان می‌دهد که پسران بیش‌تر تحت تأثیر افسردگی پس از وضع حمل مادرانشان قرار می‌گیرند. یک توضیح احتمالی در این مورد این است که پسران خواهان توجه بیش‌تری از جانب مادرانشان هستند و اگر این خواست آن‌ها برآورده نشود، بیش از دختران که به نظر می‌رسد بیش‌تر متکی به خود و کم‌توقع‌تر هستند، تحت تأثیر قرار

بازی‌های کلیشه‌ای

مطالعات متعدد نشان داده است که پسران در برداشت قالبی نسبت به دختران سخت‌گیرتر و انعطاف‌ناپذیرتر هستند. یک تحقیق انجام شده نشان می‌دهد که اگر دختران در مهدکودک به حال خود واگذاشته شوند، با خوشحالی با "اسباب بازی‌های پسران" بازی می‌کنند، اما پسران از این کار اجتناب کرده، فقط با اسباب‌بازی‌های خودشان بازی می‌کنند، حتی اگر "اسباب‌بازی‌های دختران" نو و براق و اسباب‌بازی‌های خودشان کهنه و شکسته باشد. شاید جای تعجب نباشد که بداند پسران علاقه‌ای ندارند که در حال انجام کارهای زنانه دیده شوند، با توجه به این مطلب که اعتقاد عمومی جامعه بر این است که اگر پسری رفتارهای دخترانه داشته باشد، خیلی بدتر از دختری است که اداهای پسرانه دارد.

یادگیری زبان

دوروتی اینون می‌گوید که دختران به طور

قادر به استفاده از توالی می‌شوند. البته این مورد ارتباط زیادی با بلوغ جسمی سریع‌تر دختران دارد. به علاوه، دختران اغلب زودتر از پسران برای دوره پیش‌دستانی آماده می‌شوند، زیرا از اضطراب جدایی کم‌تر رنج برده، در امر آشنایی و فراگیری روابط اجتماعی بهتر عمل می‌کنند.

پرخاشگری

به نظر می‌رسد که هر دو جنس به طور یکسان دارای حس پرخاشگری هستند. با این حال، برخی از تحقیقات نشان داده است که پسران در مقایسه با دختران چهار برابر بیشتر، رفتارهای گوشه‌گیرانه و پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. دوروتی اینون معتقد است که انتظار رفتارهای پرخاشگرانه در مورد پسر بچه‌ها بیشتر است تا در مورد دختر بچه‌های هم سن و سال آنان و این عمل پسر بچه‌ها بیشتر تر مورد اغماض و مدارا قرار می‌گیرد.



تکلم پسران دقت و پیشرفت پیدا کرده است.

نخستین هم‌بازی

این واقعیت که دختران به طور کلی از لحاظ گفتاری ماهرتر از پسران هستند، در نحوه اجتماعی شدن دو جنس تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد که دختران تقریباً از سه سالگی در برقراری ارتباط و امور مشارکتی بهتر عمل می‌کنند و دلیل این امر این است که با یکدیگر بیشتر صحبت می‌کنند. دوروتی اینون می‌گوید که پسران به میزان مطلوب و به روش خاص خودشان ارتباط برقرار می‌نمایند. او می‌گوید: "اگر دو یا سه پسر با هم بازی کنند، تمایل به فریاد کشیدن دارند حتی اگر فاصله زیادی هم از یکدیگر نداشته باشند. حس همکاری پسران کم‌تر از دختران نیست، اگرچه ممکن است این‌گونه به نظر نیایند، زیرا بازی آن‌ها به ظرافت و پیچیدگی بازی‌های تخیلی دختران نیست."

معمول صحبت کردن در قالب جملات طولانی را خیلی سریع‌تر از پسران آغاز می‌کنند و مقصود و منظور خود را در محاوره بهتر بیان می‌نمایند. در حقیقت، در زمان آغاز مدرسه، دختران در حدود یک سال از نظر گفتاری از پسران جلوتر هستند. پسران دیرتر از دختران شروع به صحبت می‌کنند و پیش‌تر از مشکلات زبانی نظیر لکنت زبان و خواندن پریشی رنج می‌برند.

بخشی از این تفاوت‌های زبانی احتمالاً به دلیل این است که زبان توسط نیم‌کره چپ مغز کنترل می‌شود که در دختران پیشرفته‌تر است - و بخش دیگر نیز به دلیل عادات اجتماعی است که کودک در معرض آن قرار می‌گیرد. تحقیقات نشان داده است که پدران با دختران در حدود دو برابر بیشتر از پسرانشان صحبت می‌کنند. تحقیق دیگری نشان داده است که پدران و مادران از سه سالگی در صحبت با دختران از واژه‌های بیش‌تری استفاده می‌کنند و اجازه می‌دهند که دختران مدت زمان زیادتری صحبت کنند، حتی زمانی که زبان



آزمون‌های هوش

ممکن است که دختران در آزمون‌های هوش کلامی بهتر ظاهر شوند، اما در حقیقت هیچ گونه تفاوت اساسی بین دو جنس در هوش یا حافظه وجود ندارد. دوروتی اینون عقیده دارد: "با این حال، هرگاه نهایت امر را در نظر بگیرید، مردان بیش‌تر به چشم می‌خورند." و احتمالاً به همین دلیل نیز هست که به نظر می‌رسد این مردان هستند که به عالی‌ترین سطح نبوغ و استعداد ارتقا یافته‌اند، نظیر موتسارت و لئوناردو داوینچی.

مواردی که جلب توجه می‌کنند

بر طبق نظر برخی از متخصصین، دختران بیش‌تر جذب افراد و پسران جذب اشیاء می‌شوند. در یک آزمایش، تصاویری از افراد و اشیاء را به دختران و پسران نشان دادند. سپس وقتی از آنان در این زمینه سؤال شد، پسران بیش‌تر، اشیاء و دختران، افراد را به خاطر داشتند. این مسأله زائیده این حقیقت است که نحوه برقراری ارتباط در دختران اغلب از طریق صحبت کردن با یکدیگر و در پسران از طریق انجام کارها با یکدیگر است. علاوه بر این، پسران بیش‌تر مستعد بی‌گدار به آب زدن هستند. در حالی که دختران قبل از دست زدن به چیزی و یا رفتن به سمت شیشی، باید از رضایت مادر خود حصول اطمینان کنند. پسران معمولاً بی‌مقدمه عمل کرده، در دسترسی به اشیاء از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند.

و تکان می‌دهند.

● اسباب‌بازی‌های ابتکاری و نوظهور تهیه کنید، اما به فکر خرید اسباب‌بازی‌های دختران برای پسران و یا بالعکس نباشید. فقط کودک خود را به روش‌های جدید، تشویق به بازی با اسباب‌بازی‌های دلخواهش نمایید و از این طریق به پیشرفت مهارت‌ها و شیوه‌های مختلف بازی کمک نمایید.

● مهارت‌های مکانی و بصری دختران را در بازی با اسباب‌بازی‌هایی مانند قطعات خانه‌سازی، پازل، مرتب کردن اشکال و یا اسباب‌بازی‌هایی که اعداد را به آن‌ها یاد می‌دهند تقویت کنید. از آن جا که پسران غالباً در تحریکات کلامی موفق نیستند، مهارت‌های مقدماتی پیشرفت زبان را به پسران خود از طریق بازی‌های تخیلی و نوبتی آموزش دهید.

● بازی‌های تخیلی کودکان خود را با تعویض نقش‌های طبیعی انجام دهید. مثلاً به این صورت که پسران در خانه مانده، از خانواده مراقبت کنند و دختران به سرکار بروند.

● اوقات آرامی را برای پسران پرجنب و جوش و فعال ایجاد نمایید که کودک بتواند در آن زمان استراحت کند، به مطالعه بپردازد و از سر علاقه و فکر با چیزی بازی کند.

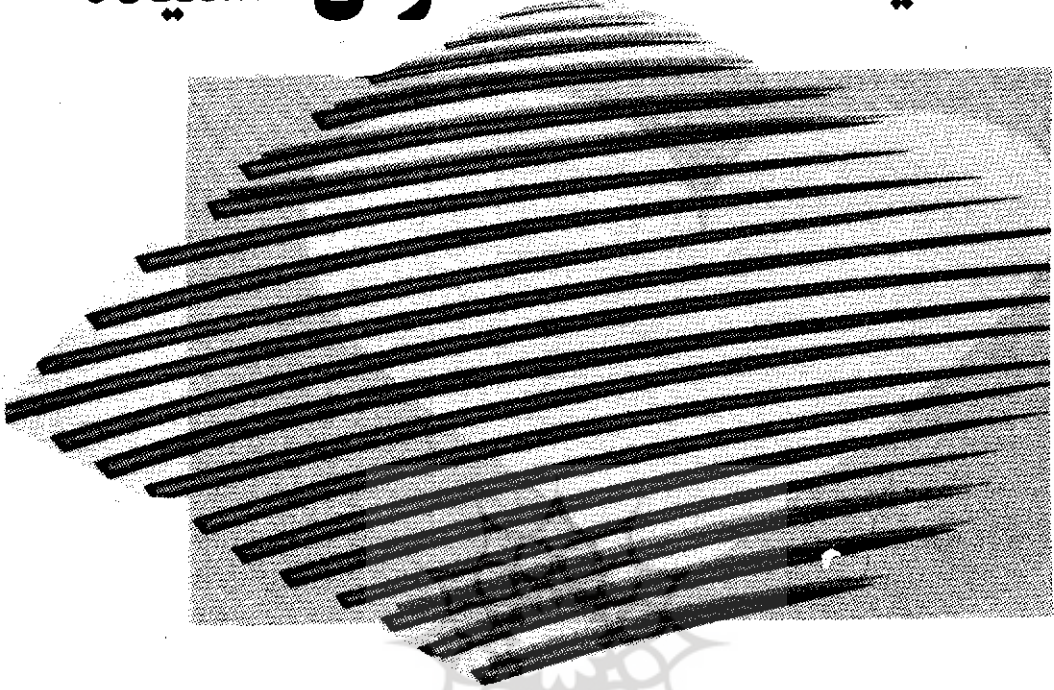
پی‌نوشت‌ها:

- 1- KATIE FOREMAN
- 2- GOHN
- 3- GANET GIBBON
- 4- EOIN
- 5- EMMA
- 6- DOROTHY EINON

چگونه از نگرش قالبی دوری جویم

● سعی کنید که از لحاظ فیزیکی به طور یکسان نسبت به دختران و پسران محبت کنید، پسران را معمولاً کم‌تر از دختران در آغوش گرفته

آیا شما مستعداً استرس هستید؟



گذشته از انعطاف‌پذیری و سازگاری با تغییرات، هر کدام از ما از همان بدو تولد مقتضیات بالقوه و خصوصیات منحصر به فردی داریم. هر کسی که فرزنددی دارد یا به نحوی با کودکان سروکار دارد تأیید خواهد کرد که چگونه هر کدام از آنها از همان ابتدا با هم تفاوت دارند. یک کودک آرام است و شب به آسانی به خواب می‌رود، در حالی که کودک دیگر ناآرام و بی‌قرار است. کودکی به تنهایی و برای مدت طولانی با خود بازی می‌کند، در حالی که برای سرگرم کردن کودک دیگر زمان زیادی لازم است. این خصوصیات ذاتی به همراه شیوه‌های تربیتی خانواده‌ها منجر به بروز شخصیت‌های گوناگون می‌شود که از این میان برخی نسبت به استرس آسیب‌پذیر خواهند بود.

اقتباس از کتاب: STRESS MANAGEMENT

ترجمه: منا نقیبی‌راد

درک هر کدام از ما از تغییرات و عوامل استرس‌زا متفاوت و منحصر به فرد است. اگر خود را در غلبه بر استرس موفق‌تر از همکاران یا دوستان خود می‌بینیم، این موفقیت مرهون زمینه‌های فردی، طرز تربیت و شرایط فعلی ماست. برخورداری ذاتی برخی از انعطاف‌پذیری بیش‌تر، حفظ خونسردی و آرامش را در شرایط دشوار، آسان‌تر می‌گرداند.

تیپ مضطرب

حتی اگر خودکارشان لفزیده باشد یا املاهی کلمه‌ای نادرست نوشته شده باشد دوباره می‌نویسند. این چنین زندگی کردن اگرچه سخت و پر تشویش است ولی تا زمانی که کارها ثابت و قابل پیش‌بینی باشند، اوضاع پیش می‌رود. این افراد معمولاً سخت کوش و پرکار هستند و قابل اعتماد، ولی آمادگی مواجهه با تغییرات ناگهانی و موقعیت‌های اورژانس را به هیچ وجه ندارند.

مشکلات استرس

مشکلات زیاد ایده‌آل‌گراها در سازگاری با تغییرات و عدم تمایل آن‌ها برای ترک روال عادی کارها سبب می‌شود هنگامی که جریان عادی کارها مختل شود، شدیداً دچار استرس شوند. توجه مفرط آن‌ها به جزئیات به این معنی است که آن‌ها مداوم در حال ایجاد استرس برای خود هستند در حالی که با اولویت‌بندی بهتر و یک برخورد ساده‌تر با کارهایی که از اهمیت کم‌تری برخوردارند می‌توانستند به راحتی از این همه اتلاف وقت جلوگیری کنند.

مشکلات استرس

افراد مضطرب تمایل به انجام کارهای آسان و سبک دارند، در حالی که همین کارها هم به آسانی آن‌ها را خسته می‌کند. اگر این افراد به سراغ کارهای سنگین‌تر و پر مسؤلیت‌تر بروند خیلی زود با افزایش حجم کار، اعصابشان به هم می‌ریزد و ناراحتی خود را سر دیگران خالی می‌کنند.

تیپ ایده‌آل‌گرا (کمال‌جو)

ایده‌آل‌گراها دوست دارند همه چیز سرجای خودش باشد و در زمان خودش انجام شود. برای آن‌ها نظم و روال کاری حتی در مورد کارهای جزئی، اهمیت زیادی دارد. اشتباهات قابل تحمل نیستند. آن‌ها یک نامه غیررسمی دست‌نویس را

تیپ ماجراجو یا هیجان‌طلب

این تیپ شخصیتی سروکارش با ریسک و کارهای پرهیجان است و اغلب به افزایش ناگهانی آدرنالین که همیشه همراه مخاطره‌ها و کارهای هیجانی می‌باشد معتاد است. ماجراجوها معمولاً شجاع و نترس هستند و می‌توانند در کارهایی که انجام می‌دهند چه در ورزش و چه در تجارت، کاملاً موفق باشند. به هر حال حوزه دقت و توجه آن‌ها بسیار محدود است. آن‌ها معمولاً خاطر خود را با جزئیات پریشان نمی‌کنند و در حالی که خود به اصل موضوع و قسمت پر سروصدای کار می‌پردازند، قسمت‌های بی‌اهمیت و جزئی را برای

چندین کار را هم‌زمان انجام دهند. در ضمن تمرکز کامل روی مکالمات برای آن‌ها دشوار است چون در آن لحظه فکرشان جلوتر می‌رود و به کار بعدی که می‌خواهند انجام دهند فکر می‌کنند.

این تیپ شخصیتی از آن گروه‌های استرسی است که بسیار مورد مطالعه قرار گرفته است. این افراد فقط در شغل‌های سطح بالا یافت نمی‌شوند. بلکه در تمام طبقات جامعه به چشم می‌خورند.

همه افراد مستعد استرس توسط یک عامل تحریک می‌شوند: ترس!

فرد مضطرب از ایسن می‌ترسد که مبادا محبوبیت خود را از دست داده، به عنوان یک فرد بی‌استفاده تلقی شود. فرد ایده‌آل‌گرا می‌ترسد فقط یک "انسان" باشد و چیزی فراتر از انسان را در خود می‌جوید. ماجراجو از یکنواختی می‌ترسد و می‌گریزد. فرد جاه‌طلب با بلند پروازی‌هایش، از این که دیگران او را موفق نپندارند می‌هراسد. اگر چه این ترس‌ها ناشی از ویژگی‌های شخصیتی خاصی است ولی طرز تربیت شخص هم در این مورد نقش به‌سزایی دارد. در زیر عواملی را که به نحوی منجر به ایجاد شخصیت‌های آسیب‌پذیر به استرس می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فشار برای موفقیت

اعمال فشار مداوم از جانب والدین و معلمین بر روی کودکان برای کسب بهترین نتایج و منوط بودن علاقه و رضایت آنان به عملکرد مطلوب کودکان، سبب می‌شود این مسأله برای همیشه در ذهن کودک نقش ببندد و او همیشه سعی کند در جهت رضایت والدین زندگی و کار کند. این کودکان فکر می‌کنند تنها زمانی ارزش دارند که موفق باشند. بدون موفقیت احساس می‌کنند کسی

دیگران باقی می‌گذارند. ماجراجوها عمدتاً حرفه‌هایی را انتخاب می‌کنند که به گونه‌ای ریسک در آن‌ها باشد تا بدین وسیله بتوانند پول زیاد و یا اعتبار قابل توجهی برای خود کسب کنند.

مشکلات استرس

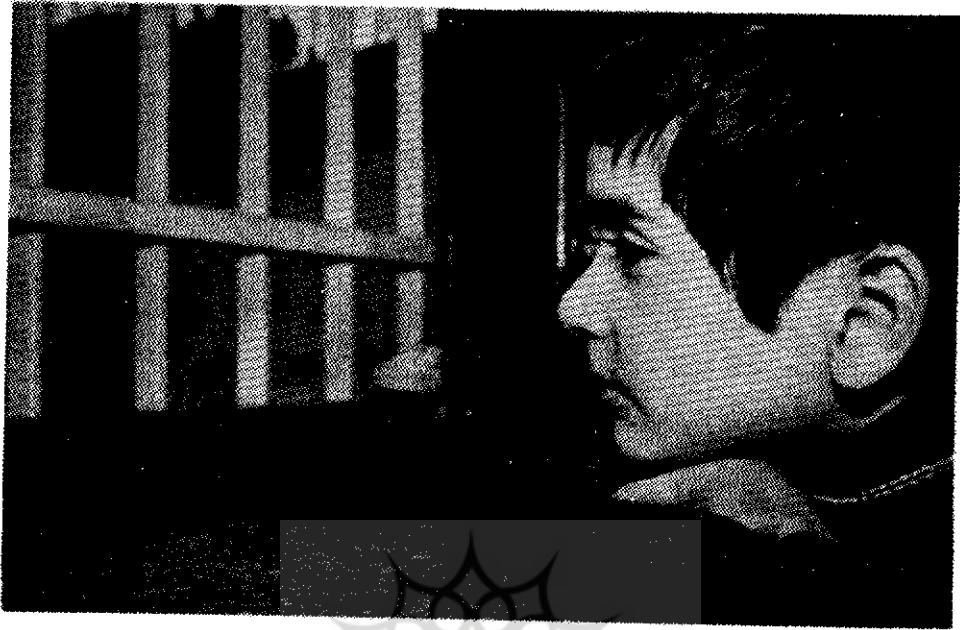
استفاده بیش از حد از دخانیات و مشروبات الکلی و عوارض جانبی مخرب آن‌ها در این تیپ به مراتب بیش‌تر از بیماری‌های جسمی و روانی به چشم می‌خورد. ماجراجوها استرس ناشی از کارهای هیجانی خود را به منزله یک استرس مفید می‌دانند و خیلی راحت با آن کنار می‌آیند. آن‌ها به جای نگرانی، مدام در حال محاسبه احتمالات هستند و نتیجتاً هنگام این گونه محاسبات به شدت از دخانیات و الکل استفاده می‌کنند.

تیپ جاه‌طلب

این افراد تمایل وافری به کار زیاد دارند و عمدتاً افراد با پشتکاری هستند و از همه انرژی خود در کارشان بهره می‌جویند. این افراد برای پرداختن به زندگی اجتماعی و سرگرمی‌های مورد علاقه‌شان وقتی ندارند. زندگی، فکر و رویای آن‌ها "کار" است و بس.

مشکلات استرس

برای آن‌ها مشکل است کارها را به دیگران محول کنند و از طرفی بسیار خرده‌گیر و عیب‌جو هستند و اگر اوضاع آن‌طور که باید پیش‌نرود معمولاً صبرشان لبریز می‌شود. نمی‌توانند آرام یکجا بنشینند و کاری انجام ندهند. مدام در حال راه رفتن هستند، زانوهای خود را تکان می‌دهند، آرام با انگشتان خود روی میز و صندلی و غیره صدا در می‌آورند و در مواقع استرس می‌خواهند



نیستند و هیچ کس به آن‌ها احترام نخواهد گذاشت. با این شرایط، جایی برای فضای خاکستری نیست - هر چه هست سیاه است و سفید!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز جامع علوم انسانی

انتقاد

انتقاد مکرر و غیر سازنده موجب می‌شود که کودک برای اجتناب از اهانت‌ها و تحقیرهای احتمالی، خود را از کارها عقب بکشد، ارزشی برای خود قائل نشود و از موضع پایین و با ترس با مسائل برخورد کند. چنین کودکی دست به نوآوری و کارهای تازه نمی‌زند، مضطرب و پریشان است و نسبت به توانایی‌های خود بی‌اعتماد است. او یاد می‌گیرد برای حفظ اعتبار و احترام خود در جهت خشنودی و کسب رضایت دیگران قدم بردارد.

احساس تنهایی

عدم برخورداری کودکان از عاطفه و توجه والدین، سبب می‌شود آن‌ها اعتماد به نفس و ارزش خود را به عنوان یک انسان از دست بدهند و نتیجتاً ورود آن‌ها به دنیای کار بزرگسالان به منزله فرار از این حس بیهودگی و بی‌ارزشی است و متأسفانه آنان در تلاش برای توجیه بودن خود، ممکن است همه زندگی خود را فدای کارشان کنند.

مراقبت بیش از حد

هم نباشد به شدت آزرده می‌شوم.
- از شرایط تازه حتی اگر برایم بهتر هم باشد
بیزارم و ترجیح می‌دهم در شرایط کنونی حتی اگر
خیلی بد هم باشد بمانم.

- برایم سخت است نیازهایم را برای دیگران
بازگو کنم چون فکر می‌کنم این نوعی خودخواهی
است.

- حتی اگر دیگری هم اشتباه کرده باشد این من
هستم که در آخر عذرخواهی می‌کنم.

- پیشقدم شدن در کارها چه اجتماعی و چه
شغلی برایم واقعاً سخت است.

- من نمی‌توانم به راحتی ابزار احساسات کنم،
به خصوص احساسات منفی مثل عصبانیت و
آزردگی.

- به نظرم هیچ وقت به آنچه می‌خواهم
نمی‌رسم.

ایده آل‌گراها درباره خود چه می‌گویند

- برای من همه چیز حتماً باید همان‌طور باشد
که "باید باشد".

- کارهایی را که بر عهده دارم به بهترین نحو
ممکن انجام می‌دهم.

- به شدت از به هم خوردن روال روزانه
کارهایم بیزارم.

- وقتی کارها آن‌طور که باید انجام نمی‌شوند
آزرد می‌شوم.

- وقتی دیگران مانع می‌شوند کاری را که بر
عهده دارم به نحو احسن انجام دهم به شدت
عصبانی می‌شوم. تنها زمانی احساس آرامش
می‌کنم که سرکش همه "ک" ها و نقطه همه "ب"
ها گذاشته شده باشد.

- این وسواس من اغلب سبب می‌شود از
دیگران عقب بمانم.

پدر و مادری که از انجام هیچ کاری برای
فرزندشان دریغ نمی‌کنند، مانع استقلال کودک
شده، این فرصت را از او می‌گیرند تا توانایی خود
را در مقابله با دنیای هر روز محک بزند. این امر
نوعی احساس انزجار و طغیان را در وجود کودک
بر می‌انگیزد و ترس عمیقی را از آنچه در بیرون
می‌گذرد در نهادش به جای می‌گذارد. این ترس
همیشه گریبانگیر کودک خواهد بود و او در عین
حال که دیگر دوست ندارد توسط والدینش کنترل
شود از استقلال و آزادی هم می‌هراسد.

اینک که به بررسی تیپ‌های شخصیتی که بیش
از همه در معرض استرس هستند پرداختیم و
برخی عوامل را که منجر به بروز چنین
شخصیت‌هایی می‌شود بررسی کردیم، وقت آن
رسیده که به قضاوت بنشینید و ببینید چه اندازه در
معرض استرس هستید.

پرسشنامه: عوامل استرس‌زای شخصیت

خود را بیابید.

این پرسشنامه مشتمل بر ۴ دسته سؤال است
که بر اساس تیپ‌های استرسی ذکر شده در قسمت
قبل، طبقه‌بندی شده‌اند. هر کدام از عبارات را که
فکر می‌کنید در مورد شما صدق می‌کند، جایی
برای خودتان یادداشت کرده، به ازای هر کدام ۱
نمره به خود بدهید. این کار را با سرعت هر چه
بیش‌تر انجام دهید و از فکر کردن طولانی روی هر
عبارت پرهیزید.

افراد مضطرب درباره خود چه می‌گویند

- دیگران از من سوء استفاده می‌کنند ولی من
نمی‌توانم جلوی آن‌ها را بگیرم.

- از هر گونه نزاع و دعوا حتی اگر پیش دیگران

خوشحال هستم.

- فرصتی برای زندگی اجتماعی ندارم مگر این که در ارتباط با کارم باشد.

- هیچ وقت نمی توانم کارم را کاملاً کنار بگذارم.

- به محض اتمام یک کار به سراغ کار دیگری می روم.

از هر بخش چند نمره گرفته اید؟

- اگر از هر گروه چهار نمره یا بیش تر گرفته اید،

یعنی تمایل زیادی به آن تیپ شخصیتی دارید.

- به ندرت ممکن است کسی جزء هیچ یک از

این چهار گروه نباشد.

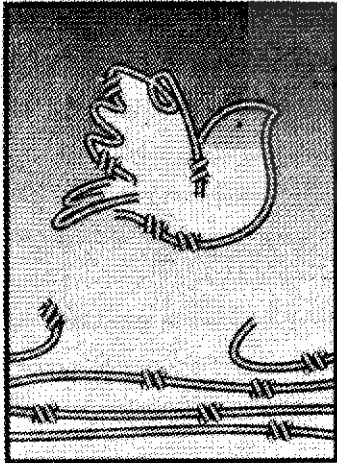
ولی به هر حال پیدا کردن شباهت به هر یک از

این گروه های کلاسیک، نقطه شروع خوبی است

برای یافتن عوامل محرک و این امکان را فراهم

می کند که مناسب ترین راه را برای کاهش سطح

استرس و بازگشت به تعادل بیابید.



- من همیشه به گذشته و این که چگونه می توانستم کارها را بهتر انجام دهم فکر می کنم.
- با انجام کوچک ترین اشتباهی باید کار را از اول انجام دهم. هر چند کاری جزئی و بی اهمیت باشد.

افراد ماجراجو و هیجان طلب درباره خود چه می گویند

- خیلی زود خسته می شوم.

- تنها راه جلوگیری از افتادن و پیش رفتن، مخاطره و ریسک کردن است.

- برای من سخت است که تا آخر یک کار را ببینم.

- خاطر خود را با جزئیات بیهوده، آزوده نمی کنم.

- نمی توانم در یک محیط ثابت با انجام کارهای یکنواخت دوام بیاورم.

- دوست ندارم خود را اسیر روابط یکنواخت کنم.

- هیجانانگیزی من بر همه مسائل شخصی ام مقدم است.

- همیشه مشغول طرح نقشه ها و کارهای هیجانی هستم.

افراد جاه طلب درباره خود چه می گویند
من کاملاً خود را وقف کاری که بر عهده گرفته ام می کنم.

- همیشه اطمینان حاصل می کنم کاری را که شروع کرده ام به پایان خواهم رساند.

- به هنگام تمرکز بر کارم ذهنم از هر چیز دیگر فارغ است.

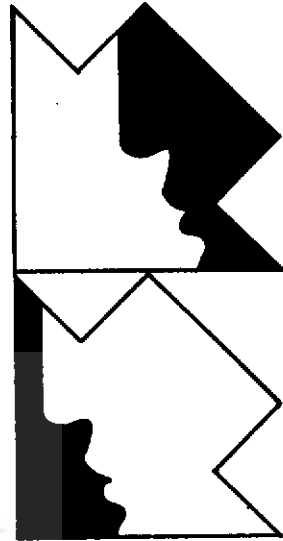
- اغلب به علت غرق شدن در کارهایم غذا خوردن را فراموش می کنم.

- تنها وقتی کارهای روزانه بر وفق مراد است

مشاوران پیوند پاسخ می دهند



زیر نظر دکتر غلامعلی افروز



بخش آی سی یوی بیمارستان... دارفانی را وداع گفت. همسر در یک شرکت بازرگانی خصوصی مشغول کار بود. از نظر مالی در وضعیت قابل قبولی هستیم و از این بابت خدای را شاکریم.

اما مسأله‌ای که مرا واداشت این نامه را خدمت شما بنویسم و راهنمایی بخواهم این است که چند ماهی است یکی از بستگان نزدیک خانواده همسر و خودم مصرّاً از من تقاضای ازدواج می‌کند. او قبلاً ازدواج کرده و بعد از مدتی به دلایل گوناگون از همسرش جدا شده است و فرزندش هم ندارد. او از نظر سنی یک سال از من کوچک‌تر است و آدم سالم و متعهدی است.

من بعد از فوت همسر مصمم بودم دیگر مطلقاً ازدواج نکنم و همه تلاشم را صرف حُسن تربیت فرزندانم نمایم و آن‌ها را به جای خوبی برسانم. اما اینک بعد از اصرارهای فراوان این شخص و خانواده‌اش تا حدی دچار تردید شده‌ام، نمی‌دانم چه کنم. پسر و دخترم مطلقاً از این موضوع چیزی نمی‌دانند و بحث ازدواج مجدد من

خانم م. س از کرج:

با سلام خدمت مسؤولان محترم مجله خوب خانواده‌ها پیوند. من از علاقه‌مندان ماهنامه پیوند هستم و از بخش مشاوره آن خیلی استفاده می‌کنم. اینک خودم در وضعیتی قرار دارم که به مشاوره شما بسیار نیازمندم.

من حدود ۳۲ سال سن دارم و دارای مدرک فوق دیپلم هستم و در یکی از مدارس کرج معلم می‌باشم. در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌ام و اکنون دارای دو فرزند ۱۲ ساله (پسر) و ۹ ساله (دختر) می‌باشم. پسر امسال کلاس اول راهنمایی است و دخترم هم در کلاس سوم دبستان مشغول تحصیل است.

متأسفانه حدود ۱۵ ماه پیش همسر در اثر یک سانحه رانندگی پس از یک هفته بستری بودن در

فلسفه ازدواج در منظر ارزش‌های الهی‌گویی این حقیقت است که هر کس واجد شرایط لازم برای زوجیت بوده، از آمادگی‌های روانی ضروری برخوردار باشد و زمینه آن نیز برایش فراهم باشد (یعنی داوطلب موجهی برای ازدواج مطرح باشد) شایسته نیست روزگارش را بدون همسر سپری نماید، ولو این که قبلاً ازدواج کرده و بعد از مدتی به دلایلی همسرش را از دست داده باشد.

شما خواهر ارجمند نیز چنانچه در خود شرایط لازم را برای ازدواج می‌بینید و مستقل از وجود فرزندان آمادگی لازم را برای ازدواج دارید، پس شایسته است زمینه مساعد ازدواج خود را فراهم نمایید. خاطرتان باشد که عموماً انسان‌ها طولانی‌ترین حیات مشترک را با همسران دارند نه با پدر و مادر و نه با فرزندان و نه با خواهران و برادران، و در ارتباط با فرزندان شما نیز چنین خواهد بود. این استدلال که به زندگی با فرزندان راضی هستم، نمی‌تواند استدلال و منطق چندان پایداری باشد، چرا که چند صباحی دیگر آقا پسر و دختر خانم شما ازدواج کرده، خانواده‌ای مستقل را تشکیل می‌دهند. یعنی بچه‌های شما همیشه بچه نمی‌مانند! دختر خانم شما چند وقت دیگر سن فعلی شما را تجربه خواهد کرد!

بنابراین در این که شما مجدداً با فردی متعهد، سالم و صالحی که وجودش آرامشگر وجود شما باشد ازدواج نمایید تردیدی نیست، لیکن می‌بایست با کمک نزدیکان و مشاوران دقت لازم را در بررسی ویژگی‌ها و شرایط شخص داوطلب ازدواج با شما مبذول دارید و فارغ از احساسات و پیش‌داوری‌ها، منش و شخصیت او را مورد ارزیابی دقیق قرار دهید و عجله‌ای در تصمیم خود روا مدارید.

اما قبل از طرح مسأله با فرزندان که شما را

اصلاً در خانواده مطرح نبوده است. رابطه من با بچه‌ها فوق‌العاده دوستانه و محبت‌آمیز است. نمی‌دانم اگر بچه‌ها از این موضوع مطلع شوند چه واکنشی خواهند داشت. خلاصه مدتی است سخت در اندیشه و تأمل به سر می‌برم. پاسخ شما به نامه من یقیناً می‌تواند راهنمایی خوبی برایم باشد و مرا در تصمیمی که باید بگیرم کمک نماید.

خواهر محترم خانم م. س

شما هم سلام گرم و صمیمانه یازان پیوند را پذیرا باشید. از خداوند منان برای شما و فرزندان عزیزتان سلامت و توفیقات روزافزون مسألت داریم و علو مقام همسر مرحومتان را خواستاریم. از این که برایمان نامه نوشته‌اید، سپاسگزاریم. در ارتباط با مسأله‌ای که مطرح فرموده‌اید توجه شما را به چند نکته مهم جلب می‌نمایم. امید است با تأمل و اندیشه درباره این نکات، آزاد از دوگانگی احساس و فارغ از تعارض‌های روانی، موفق به اتخاذ تصمیم بایسته‌ای شده، با توکل به خداوند منان در ادامه زندگی موفق باشید.

ازدواج امری است لازم و ضروری. فلسفه آفرینش بر زوجیت پدیده‌های الهی، به ویژه انسان‌ها، استوار است. هر شخصی که از رشد لازم جسمانی، هوشمندی و بلوغ فکری و کفایت عقلانی و تعادل عاطفی و تعهد و توان مسؤولیت‌پذیری اجتماعی برخوردار می‌گردد، بایسته است برای نیل به ساحل آرامش و تعالی شخصیت با کفوی همراه و همسری همگام ازدواج نماید. لذا شایسته و سزاوار نیست کسی که آمادگی‌های لازم را برای ازدواج دارد و فرصت ازدواج مطلوب برایش مهیا می‌باشد به بهانه‌های مختلف این مهم را به تعویق انداخته، یا از آن گریزان باشد.

ازدواج با شما بسیار مهم و تعیین کننده خواهد بود. به عنوان مثال زمینه‌ای فراهم کنید که چندین مرتبه در بین جمعی از نزدیکان صمیمی این شخص نیز حضور داشته باشد. در این نشست‌های دوستانه، بدون طرح مسأله خواستگاری و ازدواج، با چهره گشاده و نگاه پرمهر و کلام گرم و محبت‌آمیز و رفتار دوستانه با فرزندان شما چند دقیقه‌ای صحبت نماید و هر بار هدیه کوچکی به آن‌ها تقدیم کند و در صورت امکان یکی دو بار هم شما را با فرزندان برای ناهار یا شام به رستورانی که برای بچه‌ها بسیار خوشایند خواهد بود، دعوت نماید.

در هر حال برای شما و ایشان که آمادگی لازم را برای ازدواج احراز نموده‌اید، هدف اصلی صرفاً ایجاد احساسی خوشایند و نگرشی مثبت در وجود فرزندان نسبت به شخص داوطلب ازدواج با شما خواهد بود.

بدیهی است بعد از چند جلسه آمدوشد و بهره‌مندی از تجارب خوشایند از نشست و برخاست‌های صمیمانه با شخص داوطلب ازدواج با شما، به تدریج موضوع این شخص توسط بچه‌ها در منزل مطرح خواهد شد و آن‌ها خود به سادگی و راحتی امکان ازدواج شما با ایشان را به میان کشیده و یا اگر خودتان خواستگاری آن شخص را از شما مطرح کنید، با اندک تأملی و چه بسا با خوشحالی از آن استقبال نموده، آمادگی خودشان را برای پذیرش آن شخص به عنوان همسر جدید مادر و جانشین پدر اعلام خواهند کرد.

با تأکید مجدد بر دقت هر چه بیش‌تر در انتخاب همسر و ازدواج مجدد، از درگاه پروردگار متعال برایتان سلامت، آرامش و توفیقات روزافزون در زندگی جدید مسألت داریم.

بسیار دوست می‌دارند می‌بایست زمینه مساعد و آمادگی‌های روانی را به‌طور غیرمستقیم در ایشان ایجاد کنید. این کار می‌تواند توسط شخص شما و یا بعضی از نزدیکانی که مورد توجه و محبت فرزندان شما هستند، مثل دایی جان و خاله جان و نظایر ایشان انجام پذیرد.

بسیار طبیعی است که بچه‌های شما در عین این که فطرتاً دوست می‌دارند پدر گونه‌ای را در کنار خود داشته باشند و از وجود پرمهر و صلابت او احساس امنیت بیش‌تری نمایند، اما زمانی که ملاحظه می‌کنند شخصیت مادر مهربانشان آمیزه‌ای از عطف و منطق و استواری است بدان کم‌تر اندیشیده و آرامش فکر و آسایش خاطر مادر برایشان مهم‌تر جلوه می‌کند و در ارتباط با احتمال ازدواج مجدد مادر حساسیت بیش‌تری از خود نشان می‌دهند. لذا با عنایت به این مهم در شرایطی که شما در آن قرار دارید سزاوار آن است که به تدریج آمادگی لازم روانی و ذهنی را در فرزندان خود نسبت به ازدواج مجددتان با شخص مورد نظر فراهم نمایید و به‌طور غیرمستقیم به آن‌ها اطمینان دهید که در شرایط جدید (یعنی ازدواج مجدد شما) آن‌ها از موقعیت شایسته‌تر، پرمهرتر و استوارتری برخوردار خواهند شد.

آنچه در این رهگذر بسیار مهم و حساس است آشنایی فرزندان شما با شخص مورد نظر است. شایسته است زمینه‌ای فراهم گردد که پسر و دختر شما شخص مورد نظر را در چند موقعیت خوشایند ملاقات کنند، به گونه‌ای که بعد از چند جلسه دیدار، شخصیت او برایشان مطلوب واقع گردد و با برخورداری از نگرش مثبت نسبت به او در اندیشه و باور خود تصویری از مقام و جایگاه جانشین پدر بودن از این شخص ترسیم نمایند. در این ارتباط منش و رفتار شخص داوطلب

انجمن اولیا و مربیان در آیین نامه اجرایی مدارس



انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و گسترش ارتباط دو کانون مقدس خانه و مدرسه، انجمن اولیا و مربیان تشکیل می‌شود. ترکیب اعضا و وظایف انجمن اولیا و مربیان مدارس به شرح زیر است:

الف - ترکیب اعضا:

- ۱- مدیر مدرسه.
- ۲- یکی از معاونین به انتخاب مدیر.
- ۳- نماینده شورای معلمان.
- ۴- معاون پرورشی یا یکی از مربیان امور تربیتی و در صورت نبودن مربی، یکی از معلمان آگاه به مسائل تربیتی به انتخاب مدیر.
- ۵- منتخبین اولیای دانش‌آموزان.

آشنایی اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان با حدود اختیارات خود یکی از شرایط لازم برای موفقیت آن‌ها به شمار می‌رود.

از آن‌جا که در آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، انجمن اولیا و مربیان یکی از ارکان مدرسه به شمار آمده و صفحاتی از آن به بیان چگونگی تشکیل، ترکیب اعضا و شرح وظایف آن اختصاص یافته است، شایسته است مدیران محترم مدارس، اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان و سایر علاقه‌مندان که به هر نحو مایلند در جهت تقویت مشارکت و کیفیت‌بخشی به فعالیت‌های آموزش و پرورش همکاری کنند، به مطالعه دقیق مطالب مورد نظر بپردازند. از این‌رو بر آن شدیم که بندها و تبصره‌های ماده ۱۴ از فصل دوم و نیز فصل هفتم آیین‌نامه مذکور را از نظر گرامی اولیا و علاقه‌مندان فعالیت در مدارس بگذرانیم.

دفتر جذب مشارکت‌های اولیا

۳- انجمن اولیا و مربیان:

ماده ۱۴- به منظور تقویت همکاری و مشارکت اولیای دانش‌آموزان برای کمک به ارتقای کیفیت

اولیای دانش‌آموزان، صاحبان جَرف، افراد خیر و مؤسسات خیریه در تأمین امکانات مورد نیاز و بهبود اداره امور مدرسه.

۱۰- نظارت بر چگونگی اخذ کمک‌های

مردمی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۱۱- تشکیل شورای مالی مدرسه با عضویت

مدیر مدرسه، رئیس انجمن و نماینده شورای معلمان در اولین جلسه انجمن.

۱۲- نظارت بر نحوه هزینه وجوه حاصل از

کمک‌های مردمی، خدمات فوق برنامه، سرانه

دانش‌آموزان و کمک‌های شوراها و آموزش و

پرورش از طریق شورای مالی و مطابقت موارد

هزینه با برنامه‌های مصوب شورای مدرسه.

۱۳- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به سرویس

رفت و آمد دانش‌آموزان.

۱۴- انتخاب نماینده برای شرکت در شورای

مدرسه.

۱۵- انجام اموری که بر اساس بخشنامه‌های

انجمن مرکزی اولیا و مربیان به عهده انجمن

مدرسه محول می‌گردد.

تبصره ۱- در مدارس بزرگسالان و مدارس

کم‌جمعیتی که برابر آیین‌نامه انجمن مرکزی اولیا و

مربیان، امکان تشکیل انجمن نمی‌باشد، وظایف

انجمن به مدیر مدرسه واگذار می‌شود.

تبصره ۲- مدارس ضمیمه و مدارس که به

صورت مجتمع (ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و

متوسطه) توسط یک مدیر اداره می‌شوند می‌توانند

در صورت تمایل مدیر، انجمن اولیا و مربیان را به

صورت مشترک تشکیل دهند.

فصل هفتم - امور مالی

ماده ۸۶ - کلیه درآمدهای مدرسه (سرانه

دانش‌آموزان و وجوه حاصل از خدمات فوق

تبصره ۱- تعداد اولیای دانش‌آموزان و نحوه

انتخاب آنان جهت عضویت در انجمن و

چگونگی و زمان تشکیل جلسات برابر آیین‌نامه

انجمن مرکزی اولیا و مربیان خواهد بود.

تبصره ۲- در صورت لزوم مدیر مدرسه

می‌تواند از نماینده شورای دانش‌آموزان و

برحسب مورد از افراد ذیربط و صاحب‌نظر برای

شرکت در جلسات انجمن دعوت کند.

ب - شرح وظایف:

۱- تأمین مشارکت فکری، فرهنگی، عاطفی و

آموزشی اولیا و تقویت هماهنگی و همسویی

تربیتی و آموزشی خانه و مدرسه.

۲- برنامه‌ریزی و تشکیل جلسات عمومی

اولیای دانش‌آموزان.

۳- برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری جهت تشکیل

جلسات آموزش خانواده.

۴- همکاری و مشارکت با شورای معلمان در

برگزاری کلاس‌های فوق برنامه.

۵- مشارکت در اجرای برنامه‌های کارآموزی

هنرجویان در هنرستان‌ها.

۶- همکاری و مشارکت با مدیر مدرسه در

اجرای فعالیت‌های پرورشی، برگزاری اردوهای

دانش‌آموزی و بازدید از مراکز علمی، آموزشی و

فرهنگی.

۷- همکاری و مشارکت درباره چگونگی

قدردانی از کارکنان، اولیا و دانش‌آموزان و اعضای

شوراها و مدرسه با رعایت ضوابط و مقررات

مربوط.

۸- جلب همکاری اولیای دانش‌آموزان جهت

مشارکت و کمک به ارتقای کیفیت فعالیت‌های

مربوط و ارائه پیشنهادهای لازم به مدیر مدرسه.

۹- تلاش و همکاری برای جلب مشارکت

امضاء از سه امضای شورای مالی مدرسه (امضای مدیر و یک نفر دیگر از اعضای شورای مالی مدرسه) صورت خواهد گرفت و اعضای شورای مالی در مقابل انجام هزینه‌ها مسؤولیت مشترک خواهند داشت.

ماده ۸۹ - کلیه اموال و تجهیزات خریداری شده و اهدایی مدرسه باید مطابق مقررات مربوط شماره‌گذاری و در دفتر اموال مدرسه ثبت شود.

ماده ۹۰ - استفاده از کمک‌های مردمی برای تشویق کارکنان، معلمان و مربیان مدرسه می‌بایست با موافقت انجمن اولیا و مربیان مدرسه صورت پذیرد.

ماده ۹۱ - گرفتن هرگونه وجه بابت هزینه گردش‌های علمی، تفریحی و تربیتی باید متناسب با هزینه‌های مربوط و توان پرداخت خانواده‌ها باشد و پس از موافقت انجمن اولیا و مربیان مدرسه انجام گیرد.

ماده ۹۲ - شیوه‌نامه لازم درخصوص مقررات مالی با رعایت مفاد این آیین‌نامه توسط وزارت آموزش و پرورش تدوین و ابلاغ می‌شود.

برنامه، کمک‌های شوراها، آموزش و پرورش مناطق و کمک‌های مردمی) باید به حساب بانکی مدرسه واریز و با رعایت مقررات مربوط، تحت نظر شورای مالی مدرسه هزینه شود. در روستاها و مناطقی که کمک کنندگان دسترسی به بانک نداشته باشند، مدیر مدرسه به ازای دریافت کمک‌های نقدی، قبض شماره‌دار و معتبر صادر و به اولیا تحویل می‌دهد. وجوه جمع‌آوری شده در اولین فرصت با هماهنگی انجمن اولیا و مربیان باید به حساب بانکی مدرسه واریز شود و در پایان هر سال تحصیلی گزارش عملکرد کمک‌های مردمی با امضای مدیر و رئیس انجمن اولیا و مربیان به شورای آموزش و پرورش شهرستان ارسال گردد.

ماده ۸۷ - شورای مالی مدرسه در هر سال تحصیلی با عضویت رئیس انجمن اولیا و مربیان، نماینده شورای معلمان و مدیر مدرسه تشکیل می‌شود و باید اسناد هزینه به امضای اعضای شورای مالی برسد.

ماده ۸۸ - برداشت از حساب مدرسه با دو

ادامه از صفحه ۹

پی نوشت‌ها:	
۱- نامه ۳۱، قسمت ۷	۱۲- نامه ۵۳، قسمت ۱۱
۲- خطبه ۱۷۲، قسمت ۷	۱۳- خطبه ۱۷۲، قسمت ۵
۳- خطبه ۲۴	۱۴- خطبه ۲۳۳، قسمت ۴
۴- نامه ۴۷	۱۵- نامه ۴۷
۵- خطبه ۸۶	۱۶- نامه ۳۱، قسمت ۶۲
۶- همان خطبه	۱۷- قصار ۲۷۴
۷- قصار ۱۴۲	۱۸- خطبه ۸۲، قسمت ۲۸
۸- نامه ۳۱، ۵۸	۱۹- نامه ۳۱
۹- همان قسمت، ۱۶	۲۰- خطبه ۲۲۱
۱۰- نامه ۳۱	۲۱- کلمات قصار
۱۱- خطبه ۱۶، قسمت ۹	۲۲- کلمات قصار
	۲۳- خطبه ۲۳، قسمت ۶